

کارگر تبعیدی

ارگان

انجمن کارگران تبعیدی ایرانی

شماره ۸

خردادماه ۱۳۶۹

قیمت ۲ مارک

به دفاع از مبارزات کارگران ایران برخیزیم!

طبقه کارگرایان از ابتدا تاکنون

پیدایش اولین نطفه های طبقه کارگر در ایران به چند دهه قبل از انقلاب بوزوایی ۱۹۰۶ (۱۲۸۵) بازمی گردد اگر چه بدلیل رشد ناکافی صنعت و تجارت ، طبقه کارگر ایران به لحاظ کمی بسیار ضعیف بود ، اما بواسطه پیوند قوی با جنبش سوسیال دمکراتیک روسیه ، توانست بطور چشمگیری در این انقلاب شرکت نموده و بر ضد رادیکالیته شدن آن تاثیر بگذارد .

اولین نشانه های حضور مستقل طبقه کارگر در عرصه مبارزه طبقاتی نیز در همین سالها نمایان گردید . کارگران چاپ بعنوان قوی ترین و آگاه ترین بخش کارگران ایران ، در سال ۱۹۰۷ (۱۲۸۶) سند یكاهای خویش را تاسیس کردند و مطالبات خود را برای بهبود شرایط کار و ارتقاء معیشت کارگران اعلام نمودند . با این همه جنبش کارگری ایران به معنای واقعی کلمه تنها پس از ده سال بعد پدید آمد و گسترش یافت . پس از انقلاب اکتبر در روسیه جنبش کارگری ایران نیز شکوفا شده و بعنوان يك عامل مهم در عرصه

مبارزه طبقاتی ظاهر گردید . این بار نیز کارگران چاپ آغازگر دور تازه جنبش بودند . اتحادیه کارگران چاپ در سال ۱۹۱۸ (۱۲۹۷) پس از يك اعتصاب ۱۴ روزه موفق گردیدند ساعت کار خود را به ۸ ساعت در روز تنزل داده و حق قرارداد جمعی کار را بدست آورند . در سال ۱۹۸۹ (۱۲۹۸) ، اتحادیه های دیگری در رشته های مانند نساجی ، نانوايي وغيره تشکیل گردیدند . اتحادیه های کارگری در سال ۱۹۲۱ (۱۳۰۰) در يك شورای مرکزی متحد گردیده و به " بین الملل سند یكاهای سرخ " پیوستند . این شورا نشریه ای بنام " حقیقت " منتشر می کرد که خواسته های کارگران را مطرح می نمود . در سال ۱۹۲۲ (۱۳۰۱) تنها در تهران ۱۰ اتحادیه کارگری وجود داشت و هم چنین در تبریز و رشت نیز اتحادیه های تشکیل شده بودند . در همین سال برای اولین بار مراسم اول ماه مه بطرز باسکوهی توسط اتحادیه های کارگری برگزار گردید و شعار اصلی آن برقراری ۸ ساعت کار در روز بود .

در صفحه ۴

از فلزکاران آلمان چه خبر؟

مناکره برسرآنها مطلقا رومی کردندو اسامال نیتاقبیل از پایان گرفتن مهلت قزلبندل بانهید به اخراج های وسیع و عمومی سعی درخفه کردن این خواسته را داشتند، ناچار دربرای فشار امتصابت و تظاهرات همروزه که فقط درطی چند روز بین ۳۰ آوریل تا ۲ ماه مه ۴۰۰ هزارفلز گزلبندبرگرفت، کارسزدهمین دورمناکره باناینده ۷۰۰ هزارفلز گزلبند/ Nordal den درمناکره Nordwürttemberg رابانتایج زیرپایان دادند:

در صفحه ۷

مبارزات کارگران آلمان درمخالفت باشرايط کارو مزدشان که بااعتصابت اخطاری گسترده کارگران هوشیار صنعت فلزو تظاهرات دربرابرحمل خاکسرات بین اتحادیه وسرمایه داران همراه بود، جوانه های بُرد و شکندمهای رابرسنگ سخت مناکرات پرکش و تقوس وچندین و چند بارهی طرفین رویانید . اگرچه خواست ۳۵ ساعت کارهفتگی ازسال ۱۹۸۴ تاکنون بارهاازجانب کارگران مطرح شدمبود، اما سرمایه داران که اباحتحالی

تجربه اجرا و پیاده کردن طرح طبقه بندی

رفقای کارگر! در شماره قبلی نشریه فراخوانی به کارگران ایرانی در تبعید داده شده بودو از آنها درخواست شده بود که تجربیات خودرا از جنبش کارگری و آنچه خود بطور زنده و فعال در آن شرکت داشتند البته با در نظر گرفتن مسائل امنیتی و غیره را - برای نشریه بفرستند تا با درج این تجربیات و خاطرات کارگری ، بتوانیم در شناساندن جنبش کارگری ایران و غنی تر کردن شناخت رفقای کارگران ، مانع از دست رفتن این تجربیات و خاطرات با ارزش گردیم .

در این شماره یکی از رفقای کارگر خاطرهای از تجربه پیاده کردن طرح طبقه بندی مشاغل در یکی از شرکتهای گروه صنعتی بهشهر را برایشان ارسال کرده که عینا آنرا درج می کنیم . (ه . ت نشریه کارگرتبعیدی)

رفقای کارگر ، سلام . میخواستم تجربه های از یکی از مبارزات کارگری در یکی از کارخانجات گروه صنعتی بهشهر بر سر اجرای طرح طبقه بندی مشاغل را برایتان تعریف کنم .

قبلا بگویم که اصولا طرح طبقه بندی مشاغل از دوران شاه محدود سالهای ۵۲ - ۵۳ در میان کارگران در صفحه ۲

گزارشی از جلسه سخنرانی حول مسائل کارگری

ترجمه آهنگی از گروه زنان معدنچی انگلستان

پیام انجمن کارگران تبعیدی ایرانی - هانوفر

به کارگران آلمانی

پیام هیئت مؤسس فدراسیون شوراهای پناهندگان ایرانی

پیام اتحاد کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

به : انجمن کارگران تبعیدی ایرانی

اخبار کارگری ایران

اخبار تظاهرات اول ماه مه

اخبار مبارزات کارگری جهان

نامه ای از يك کارگر

خلاصه ترجمه های از :

نشریه " اخبار صنایع فولاد و فلز "

انجمن کارگران مهاجر کالیفرنیا

مدافع حقوق کارگران مهاجر در آمریکا

زنده باد تشکلهای مستقل کارگری!

تجربه اجرا و پیاده کردن طرح طبقه بندی

ارزفحه ۱

و از سوی رژیم مطرح شده بود با این هدف، که با تقسیم کارگران به مشاغل و درجات مختلف میزان آنها تفرقه بیندازد و رقابت میان کارگران را افزایش دهد و در نتیجه مانع اتحاد کارگران در مقابل کارفرما شوند نیز خواسته کارگران برای افزایش دستمزد را موقوف به رأی بیشتر، کوشش بیشتر و اجرای طرح طبقه بندی کند. اما در واقع زمان جزیر چند کارخانه بزرگ تهران، علاوه بر طرح بطور وسیع اجرا نشد. در دوران بعد از انقلاب، مجدداً مسئله طرح طبقه بندی مشاغل و این بار از سوی کارگران پیشرو و شوراهای کارگری دوران قیام و باهدف بالا بردن سطح دستمزدها مطرح میشود. و چه بسیار کارخانه ها بودند که نتوانستند با اتحاد کارگران و انتخاب نمایندگان واقعی خود، این طرح را بنفع کارکن پیاده کنند و بدینوسیله حقوق کارگران را معیاری قابل توجهی افزایش دهند. در ابتدا ببینیم طرح طبقه بندی مشاغل چیست و چگونه اجرا می شود؟

در این طرح که همانطور که گفتم اساسش در دوران شاه تقسیم شده بود، کارگران هر کارخانه بر حسب تخصص، سواد، سابقه کار، تاهل و نیز درجه سختی کاری که انجام میدهند خطراتی که کار مربوطه برایشان دارد تقسیم بندی میشوند و به همین ترتیب شغل های هر کارخانه هم بر حسب میزان تخصص مورد نیاز، میزان سختی و فشار کار و خطرات ناشی از کار و غیره تقسیم بندی شده و امتیازاتی برای هر شغل در نظر گرفته می شود. کارگری که مثلاً بر روی دستگاهی کار میکند امتیاز شغلی آن دستگاه را میگیرد. بنابراین سابقه کارش و سوادش و غیره و بر این مبنای هر شغل میزان معینی سابقه کار و سواد و تخصص لازم دارد و سطح حقوق معینی برای آن در نظر گرفته می شود. و این سطح حقوقی با در نظر گرفتن شغل های مشابه در کارخانجات مشابه حداقل چند کارخانه با توله مشابه باید در نظر گرفته شود (تعمین می شود). سپس هر کارگر بر اساس تخصصی و سابقه و سواد درجه بندی میشود و حقوقش با حقوق شغلی مربوطه سنجیده می شود. اگر کم تر بود باید حقوقش را با سطح حقوق برساند و اگر بیشتر بود باید از سطح حقوقش کم کند.

امانگنای که باید در اینجا یادآوری کرد اینست که میزان افزایش حقوق سقف محدودی ندارد. با این ترتیب که کل حقوق دریافتی کارکنان یک کارخانه را در نظر می گیرند و یک درصد معینی بآن اضافه می کنند و سپس این درصد را به نسبت امتیازاتی که هر کارگر در نظر شغل مربوطه اش بدست می آورد، تقسیم می کنند. مثلاً فرض کنیم در یک کارخانه با ۲۰۰ کارگر ماهانه ۱۰۰۰/۰۰ تومان حقوق کارکنان است. و ۱۰ درصد باید بیکار کارگران اضافه شود یعنی ۱۰۰ هزار تومان در ماه، این مبلغ باید بطور ماهانه بین ۲۰۰ کارگر کارخانه تقسیم شود که اگر بطور مساوی تقسیم می شد ماهانه حقوق هر کدام ۵۰۰ تومان اضافه می شد ولی بر اساس درجه بندی که در دستالا گفتم ۵۰ نفر ممکن است ماهی ۱۰۰۰ تومان تعلق

گیرد و به ۱۰۰ نفر ماهی ۳۰۰ تومان و به بقیه ۵۰ نفر ماهیانه چیزی حدود ۲۰۰ تومان بطور متوسط تعلق گیرد یا اصلاً به تعدادی افزایش دستمزد تعلق نگیرد. اما میزان افزایش سطح دستمزدها خود بر اساس قراردادی تنظیم می شود که بین کمیته طرح طبقه بندی (منتخب کارگران) و کارفرما بسته می شود. در دوران بعد از انقلاب و وجود شوراهای کارگری (سالهای قبل از ۶۰) معمولاً از سوی کارکنان، نماینگانی که انتخاب می شدند مورد تأیید شورا بودند و آنها با آنکه به نیروی کارگران و شرایط جامعه قرارداد های خوبی بنفع کارگران می بستند و حتی تا ۲۰٪ سطح کل حقوقها هم قرارداد بسته بودند.

اما سرکوب شدیدی که بعد از سالهای ۶۰ در ایران حاکم شد و شوراهای و تشکلهای مستقل کارگری منحل شدند، وزارت کار طرحی از سوی توکی وزیر کار ارتجعی رژیم تهیه کرد که حداکثر ۲٪ افزایش حقوق نمایندگان ۲ درصد کل حقوقهای کارکنان بیشتر باشد. و با این ترتیب کارفرمایان با آنکه با این دشمنانه ضد کارگری و سرنیزه پاسداران، این قراردادها را تحمیل می کردند. تازه! گرمی توانستند که از همان اخترا بر این اجرای طرح طبقه بندی می رفتند و در صورت وجود فشار کارگران سعی می کردند که مزدوران خود را در کمیته طرح طبقه بندی داخل کنند که هر طور خواستند طرح را بضرر کارگران پیاده کنند در صورتی که موفق نمی شدند و کارگران نمایندگان خود را برای اجرای طرح طبقه بندی به کارفرما تحمیل می کردند. آنوقت بر سر میزان افزایش سطح کل حقوقها، چانه زدن شروع می شد و از ۲ درصد گرفته تا ۵٪ و بالاخره حداکثر به ۷٪ راضی می شدند.

البته مواردی هم بود که کارگران نوانسته بودند، عزیزم بخشنده دولت بیش از ۲ درصد کل حقوقها و تا ۲ درصد به کارفرما قبولانند. برای اجرای طرح طبقه بندی، معمولاً دفاتر حقوقی با امتیاز و نظارت وزارت کار وجود دارند که کارچند طراح و مشاور و حسابدار تشکیل میشود که مورد تأیید وزارت کار بودند و اینها بعد از آنکه کمیته طرح طبقه بندی مشاغل (مشکل از نمایندگان کارگران و سرپرست ها) با کارفرما قرارداد اجرائی طرح را می بستند، کارفرما حداکثر یکسال فرصت داشت که بایکی از این دفاتر حقوقی قرارداد ببندد و طرح را پیاده کند. آنها وظیفه داشتند که اولاً اعضای کمیته را برای اجرای طرح آموزش دهند و ثانیاً کارگران و مشاغل را از زیادهای و درجه بندی نموده و سپس با مدیریت و کمیته طرح طبقه بندی کارخانه، جلساتی را برگزار کند و میزان حقوق کارگران را تعیین نماید. اگر کارفرما موافق می شد که کارگران را سرپرست و با در نظر حقوقی قرارداد ببندد، بعد از یکسال قرارداد طرح طبقه بندی خود بخود لغو میشود و دوباره از نو، روزی از نو و کارگران باید برای بستن قرارداد طرح طبقه بندی از ابتدا شروع کنند.

همین جابگیم که کارفرما معمولاً با این دفاتر ساخت و پخت می کردند که اولاً امتیازات شغلی را پائین بگیرند و ثانیاً به کارگران امتیازات استحقاقی

راندهند. علاوه بر این نامه اجرای طرح طبقه بندی مشاغل وزارت کار، حق اعطای امتیاز شغلی به کارفرما گذاشته شده بود! دست او از نظر قانونی! باز بود. با این ترتیب که به وابستگی خود و کارگران سرپرست و مطیع و نیز کسانی که با اصطلاح "انضباط کاری" را رعایت می کردند و یا تولید را افزایش می دادند، امتیازات بیشتری نسبت به بقیه داده میشد. در هر صورت بستگی به ترکیب "کمیته طبقه بندی" و دفاع کارگر بود یا نبودن آنها. این احکامات بیشتر با کمتری شد.

اول سال ۶۲ بود که بر مبنای خواست اجرای طرح طبقه بندی در شرکت ما بلند شد کارگران با توجه به پائین بودن سطح دستمزدها و نیز تجربه برخی از کارخانجات دور و بر ما خواستار اجرای طرح طبقه بندی در شرکت شدند. و برای این منظور با پیشقدمی چند تا از بچه های پیشرو طوماری تهیه نموده و به وزارت کار بردند. وزارت کار هم نمایندهای به کارخانه فرستاد و اعلام کرد که طبق قانون طرح طبقه بندی میتواند در شرکت پیاده شود از کارگران خواست که کمیتهای مرکب از ۳ نفر نماینده کارگران و یک نفر نماینده سرپرستان و یک نفر نماینده کارکنان دفتری سه مدیریت معرفی نمایند تا ترتیب بستن قرارداد را بدهند.

با این ترتیب یک هیئت پنج نفری انتخاب شد. این هیئت چندین جلسه با کارفرما گذاشت و بالاخره تحت فشار کارکن، کارفرما موافقت کرد که قرارداد اجرائی طرح طبقه بندی را در شرکت امضا کند.

هر چند کارفرما از روی اکره و ناخشنودی قرارداد را امضا کرده بود ولی ایدوار بود که کمیتهای که هیئت دارد یکی از آنها سرپرست کارفرما محسوب می شد، و اولاً حلقه اجرائی طرح را بگیرد و ثانیاً اگر ناچار شد حداقل اضافه حقوق را به کارگران بدهد و بیشتر حقوق وابستگان خود را با این طرح اضافه کند.

دو نفر دیگر هر چند در ظاهر سنگ کارگر را بسیم می زدند ولی دشمنان به خانه کارگر وصل بودند بیشتر میخواستند زمینهای ایجاد شورای اسلامی بعدی را فراهم کنند. از بستن طرح چند ماهی که گذشت، کارفرما بهانههای مختلف از آوردن طراح طبقه بندی طرفه صیرفت و بهانه گرانی مواد اولیه، کمبود آن، پائین رفتن تولید و بالاخره هزینه اجرای طرح و غیره را می آورد و سرکارگران را به اطاق می کوبید.

از سوی دیگر کارگران به نمایندگان خود فشار می آوردند و خواستار اجرای طرح طبقه بندی می شدند. بالاخره توسط یکی از اعضای کمیته، دفتر حقوقی پیوست شد که حداقل دستمزد را برای اجرای طرح می گرفتند و کارفرما به آمدن آن رضایت نداد. البته قبلاً اطمینانهای لازم به ایشان داده شدیم که نگران نباشند و کارها بر وفق مراد پیش خواهد رفت.

با این ترتیب ارزیابی مشاغل و کارگران و درجه بندی آنها با آمدن طراحان شروع شد. و جدول های مربوطه تنظیم گردید.

نکتهای که در اینجا بچشم می خورد این بود که کمیته طبقه بندی، کارکنان را در جریان پیاده کردن طرح

تذکره رژیم ضد کارگری
 جمهوری اسلامی در مدت حکومت
 ضد انقلابی خود دهها هزار کارگر
 و انقلابی دیگر را اعدام و ترور کرده و بیلا
 در زیر شکنجه بشهادت رسانده است،
 کما کثر آنان برای مردم ایستادگان
 ناشناخته مانده و تنها اسامی بخشی
 از آنها در لیست شهدای انقلاب
 ایران آمده است. ما توانسته ایم

اسلامی بیش از ۵۰۰ نفر از جانباختگان
 کارگرا، که از سال ۱۳۵۶ تا ۱۳۶۰
 رسیده اند، تهیه کنیم. اما بی شک
 تعداد شهدای کارگر در همین
 مدت بیش از این رقم بوده و ارسال
 ۱۳ به این سو نیز تنها تعداد کمی از ارسال
 این شهدا را شناخته ایم. اینک در
 داریم لیست اسامی شهدای کارگر
 را به ترتیب الفبای نام خانوادگی
 درج میکنیم و از همه کسانی که

لیست اسامی شهدای کارگر
 در دوران حکومت جمهوری اسلامی

اسامی رفقای کارگر شهید بعد از سال ۶۲

۵۱۱ آقا جانی	محمد رضا	د رگیری	تابستان ۶۷	بانه
۵۱۲ آخ	عمر	"	تابستان ۶۶	سقز
۵۱۳ بحرینی	محمد	اعدام	زمستان ۶۶	اومین
۵۱۴ تازه کوچک	خالد	تیرباران	بهار ۶۸	سقز
۵۱۵ جوادی	رضا	د رگیری	زمستان ۶۲	بانه
۵۱۶ جیسمی	محمد امین	د رگیری	بهار ۶۵	سقز
۵۱۷ جنگی	محمد	د رگیری	پائیز ۵۸	بوکان
۵۱۸ حسینی	سید خالد	تیرباران	تابستان ۶۸	اومین
۵۱۹ خیاط	ابوبکر	د رگیری	بهار ۶۵	سقز
۵۲۰ دلاک	محمد	تیرباران	زمستان ۶۵	بوکان
۵۲۱ د رزبوری	مصطفی	د رگیری	پائیز ۶۴	بوکان
۵۲۲ سیریدی	هاشم	اعدام	تابستان ۱۳۲	اومین
۵۲۳ سلطانی	حسین	د رگیری	زمستان ۶۱	مهاباد
۵۲۴ رهنمون	اسماعیل	د رگیری	تابستان ۶۶	بوکان
۵۲۵ صادقی	محمد رشید	د رگیری	زمستان ۱۳۲	ورامان
۵۲۶ صد بیگی	ابراهیم	د رگیری	تابستان ۶۴	بوکان
۵۲۷ صد رزاده	کمال	اعدام	پائیز ۶۷	-
۵۲۸ عزیزی	احمد	اعدام	پائیز ۶۵	-
۵۲۹ فلاح	عثمان	اعدام	بهار ۶۳	بوکان
۵۳۰ فرج پور	صدیق	اعدام	بهار ۶۳	بوکان
۵۳۱ فیضی	هاجر	توطئه کافرما	بهار ۶۳	شمال
۵۳۲ عجم، نمایند	ه کارگران نفت	اعدام	پائیز ۶۲	اومین
۵۳۳ قلعه میاند آب	منوچهر	اعدام	بهار ۶۲	اومین
۵۳۴ قربانی	عمر	د رگیری	پائیز ۶۵	سقز
۵۳۵ لطفی	عثمان	د رگیری	پائیز ۶۴	بوکان
۵۳۶ مینائی	محمد	د رگیری	پائیز ۶۴	بوکان
۵۳۷ محمدی	صالح	د رگیری	تابستان ۶۳	د لاهر
۵۳۸ مولوی	قسیم	د رگیری	تابستان ۶۶	بانه
۵۳۹ محمود زاده	محمد حسین	تیرباران	مرداد ۶۸	اومین
۵۴۰ مولودی	اسماعیل	د رگیری	خرداد ۶۵	سقز
۵۴۱ نورائی	حمید	اعدام	سال ۶۱	تبریز
۵۴۲ هوشیاری	محمد	د رگیری	پائیز ۶۴	سقز
۵۴۳ هاتفی	رحیم	اعدام	تابستان ۱۳۷	اومین
۵۴۴ یوسفی	فرید	اعدام	بهار ۶۲	اومین
۵۴۵ یعقوبی	شریف	د رگیری	-	زاوه رود

ماره نام خانوادگی نام	نحوه شهادت	تاریخ شهادت
۴۸۱ یوسفی	نور محمد	د رگیری
۴۸۲ -	ابراهیم	تیرباران
۴۸۳ -	اسحاق	د رگیری
۴۸۴ -	اکبر	تیرباران
۴۸۵ -	پرویز	تیرباران
۴۸۶ -	تیمور	تیرباران
۴۸۷ -	جعفر	تیرباران
۴۸۸ -	حامد	د رگیری
۴۸۹ -	حامد	د رگیری
۴۹۰ -	خسرو	د رگیری
۴۹۱ -	سامان	تیرباران
۴۹۲ -	سید	تیرباران
۴۹۳ -	سیف الرحمان	تیرباران
۴۹۴ -	شمیم	-
۴۹۵ -	صادق	تیرباران
۴۹۶ -	ضیاء	د رگیری
۴۹۷ -	علی	د رگیری
۴۹۸ -	علی رضا	د رگیری
۴۹۹ -	فرید	د رگیری
۵۰۰ -	قباد	"
۵۰۱ -	کریم	تیرباران
۵۰۲ -	محمد	د رگیری
۵۰۳ -	محمد	تیرباران
۵۰۴ -	محمد	تیرباران
۵۰۵ -	محمد رضا	"
۵۰۶ -	محمد	"
۵۰۷ -	مهران	د رگیری
۵۰۸ -	نادر	تیرباران
۵۰۹ -	ناصر	تیرباران
۵۱۰ -	هادی	تیرباران

طبقه کارگرایان از ابتدا تا کنون

از صفحه ۱

توضیح ه . ت

از آنجا که شناساندن جنبش کارگری ایران و تاریخچه مبارزات کارگری در کشور مان ، یکی از اهداف اصلی انجمن کارگران تبعیدی را تشکیل می دهد و از طرف دیگر بدلیل وجود دهها سال اختناق و سرکوب توسط رژیمهای دیکتاتوری حاکم بر ایران ، و عدم وجود

تشکلهای سراسری و مستقل کارگری با ارتباطات جهانی ، کارگران سایر کشورها از تاریخچه جنبش کارگری ایران اطلاع ندارند بنابراین ما وظیفه خود میدانیم با تهیه مقالات و مطالبی در این باره ، و ترجمه آن ، کارگران سایر کشورها را در حد توانمان از وضعیت مبارزه و زندگی کارگران ایران مطلع سازیم .

مطلبی که در زیر می آید می تواند فتح بابی باشد در این زمینه . امیدواریم رفقای عضو انجمن و سایر دستداران جنبش کارگری ، با برخورد فعال به مطالب مندرج در مقاله مذکور ما را در راه رسیدن به این هدف یاری کنند .

هیئت تحریریه نشریه کارگر تبعیدی

مبارزات اتحادیه های کارگری در این دوره صرفاً در رابطه با مسائل صنفی انجام نمی گرفت ، چنانکه در سال ۱۹۲۴ (۱۳۰۳) کارگران چاپ در اعتراض به ممنوعیت انتشار ۷ روزنامه سیاسی اعتصاب کردند و پس از هر روز دولت عقب نشینی کرده و بار دیگر روزنامه ها آزادانه منتشر گردیدند .

سرانجام در حدود سالهای ۶- ۱۹۲۵ (۵- ۱۳۰۴) نیز نیروهای ارتجاعی که حول دیکتاتوری رضاخان متحد شده بودند ، در هراس از گسترش روزافزون جنبش کارگری ، یورش همه جانبه ای را به اتحادیه های کارگری آغاز کردند و با سرکوب کارگران و انحلال اتحادیه ها ، اولین دور پیدایش و شکوفایی جنبش کارگری در ایران پایان یافت .

با حمله نیروهای متفقین به ایران و سقوط دیکتاتوری رضاخان در سال ۱۹۴۱ (۱۳۲۰) دور تازه ای از رشد و شکوفایی جنبش کارگری آغاز گردید . بلافاصله اتحادیه های کارگری با بهره برداری از تجارب و سنن دوره قبل تشکیل گردیدند . در اول ماه مه ۱۹۴۴ (۵۲۲۳) ، بیش از چهارصد راسیون اتحادیه های کارگری در تشکیلات واحدی بنام " شورای متحده مرکزی اتحادیه های کارگران و زحمتکشان ایران " متحد گردیدند . این همان نامی بود که فدراسیون اتحادیه های کارگری در دوره قبل نیز از آن استفاده کرده بود . این شورا از همان ابتدای تشکیل بیش از ۱۰۰ هزار کارگر را در بر می گرفت و روزنامه ای بنام " ظفر " مواضع آن را بیان می کرد . " شورای متحده مرکزی " با استفاده از شرایط مناسب سیاسی و وضعیت فلاکتبار کارگران و زحمتکشان بسرعت گسترش یافت چنانکه در سال ۱۹۴۵ (۱۳۲۴) ۱۰۰ هزار عضو در سال ۱۹۴۶ (۱۳۲۵) بیش از ۲۳۵ هزار کارگر را متشکل می کرد و فدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری این شورا را بشابه تنها نماینده واقعی طبقه کارگر ایران برسمیت می شناخت .

در این دوره طبقه کارگر ایران که مدت ها در " شورای متحده مرکزی " متشکل شده بود نقش بسیار فعالی در حیات سیاسی کشور ایفا نمود . از جمله موفقیت های کارگران در این دوره تحمیل قانون کار به رژیم حاکم بود که تحت فشار جنبش کارگری تصویب گردید و در نوع خود پیشرفته ترین قانون کار در سطح خاور میانه بود .

در هراس از گسترش هرچه بیشتر جنبش کارگری و توده های در ایران سرانجام نیروهای ارتجاعی کودتایی در سال ۱۹۵۳ (۱۳۳۲) سازماندهی کرده و به سرکوب کارگران و زحمتکشان اقدام نمودند .

در فاصله کودتای ارتجاعی ۱۹۵۳ (۱۳۳۲) تا انقلاب ضد استبدادی در سال ۱۹۷۹ (۱۳۵۷) ، مناسبات سرمایه داری در ایران بشدت گسترش یافت و ترکیب طبقه کارگر کاملاً دگرگون گردید .

بخش اصلی طبقه کارگر در این سالها کاملاً جوان و دارای ریشه دهقانی بود . به همین دلیل از سنن و تجارب مبارزاتی قبلی جدا بود ، در عین حال در این دوره رژیم پهلوی از طریق يك سازمان پلیسی مستقر در کارخانجات که تحت عنوان " سندیکای کارگری " فعالیت می کرد ، کنترل شدیدی را در واحد های تولیدی اعمال می نمود ، اعتصابات کارگری در این دوره بسیار پراکنده بود و تشکلهای مستقل کارگری تنها در چند واحد از جمله صنایع نفت و برخی از اصناف بصورت مخفی یا نیمه علنی وجود داشتند .

با این همه پس از مدتی آرامش نسبی ، از اواسط دهه ۷۰ طبقه کارگر دور تازه ای از مبارزه را آغاز کرد ، نمونه هایی از برجسته ترین اعتصابات که چرخش جدید در جنبش کارگری را نشان دادند عبارتند از :

- اعتصاب کارگران کارخانه نساجی چیت تهران (۱۵۰۰ کارگر) در سال ۱۹۷۶ (۱۳۵۵) ، در جریان این اعتصاب در اثر حمله پلیس تعدادی از کارگران کشته و زخمی شدند ، کارگران کارخانجات مجاور در اعتراض به این سرکوب دست از کار کشیدند .

- اعتصاب کارگران شرکت نفت آبادان که منجر به دستگیری ۱۶ کارگر گردید ۱۹۷۶ (۱۳۵۵) .

- اعتصاب در کارخانه های تراکتور سازی تبریز و صنایع نور آلومینیم اهواز در سال ۱۹۷۵ (۱۳۵۴) .

- اعتصاب در کارخانه جنرال موتورز تهران که منجر به دستگیری ۳۵ کارگر و اخراج عده زیادی گردید . ۱۹۷۵ (۱۳۵۴) .

- اعتصاب در کارخانه جنرال مو

- اعتصاب کارگران شرکت توانیر (شبکه برق رسانی ایران) در سال ۱۹۷۵ که به درگیری با ماموران دستگاه امنیتی رژیم کشید و ... و ... شد .

اگر چه این اعتصابات بطرز وحشیانه ای سرکوب شدند ، اما توان طبقه کارگر را برای درهم کوبیدن پایه های دیکتاتوری پهلوی آشکار ساختند . پس از آن جنبش کارگری ، همپای تعرض عمومی علیه رژیم شاه ، در سرتاسر ایران گسترش یافت و اعتصابات کارگری در سالهای ۹- ۱۹۷۸ (۷- ۱۳۵۶) بویژه اعتصاب قهرمانانه کارگران صنعت نفت در درهم شکستن دیکتاتوری پهلوی نقش تعیین کننده ای بازی کردند .

در این سالها طبقه کارگر در نبرد رویاروی با نیروهای سرکوبگر بسرعت خود را سازمان داد و تشکلهای کارگری یکی پس از دیگری شکل گرفتند . همراه با تشکیل اتحادیه های کارگری ، جنبش شورایی و کنترل تولید بویژه در کارخانجات بزرگ بسرعت گسترش یافت و در

اهمیت این مسئله و قتی روشن می گردد که بدانیم خمینی رهبر رژیم اسلامی در سال ۱۹۸۰ صراحتاً اعلام کرد که اعتصاب علی بر ضد نظام جمهوری اسلامی است! پیش از شروع جنگ با عراق رژیم طمی بخشنامه ای در صنایع نظامی، مجازات سازمان دهندگان اعتصاب را اعدام تعیین کرد. اما با این حال نه تنها کارگران دست به اعتصاب و حتی بعضاً فراتر از آن راهپیمایی و تظاهرات زدند، بلکه آمار نشان می دهد که در اکثر موارد حرکت کارگران با موفقیت کامل یا نسبی همراه بوده است، حتی در مواردی که رژیم دست به سرکوب اعتصاب کارگران زده بعضاً آنان به خواستههایشان دست یافته اند. کارگران طی این سالها اگر چه از داشتن تشکلهای مستقل، غنی و سراسری محروم بودند اما فن سازماندهی مخفی مبارزه و تلفیق مبارزه مخفی و غنی را بخوبی دریافته اند. حرکات بزرگ کارگری طی سالهای گذشته از جمله اعتصاب ۱۲ هزار نفره کارگران کارخانه ماشین سازی ایران ناسیونال در سال ۱۹۸۳، اعتصاب ۱۸ هزار نفره کارگران ذوب آهن اصفهان در ۱۹۸۴ و یا اعتصاب ۱۳ هزار نفره گروه صنعتی ملی که مرکب از ۲۰ کارخانه کفش سازی است در سال ۱۹۸۷ جلگی مؤید این واقعیت هستند.

افزایش دستمزد در مطالبات رفاهی محور اصلی مبارزات طبقه کارگر طی سالهای گذشته بوده است اما در کنار آن مبارزه علیه سیاستهای نظامی در کارخانجات، مبارزه علیه اخراج و سرکوب کارگران و مبارزه علیه تشکلهای وابسته به رژیم (انجمنها و شوراهای اسلامی) از دیگر عرصه های مبارزه کارگری بوده اند. اگر چه بخش عده مبارزات کارگری در اثر نبود تشکلهای غنی و سراسری در عرصه کارخانه محصور مانده اما کارگران در مبارزات سیاسی نیز نقش مهمی ایفا کرده اند. مبارزه علیه تصویب قانون کار ارتجاعی از جمله عرصه های دخالت کارگران در مسائل سیاسی و فراتر رفتن از چهار چوب کارخانه بوده است. از زمان به حاکمیت رسیدن رژیم اسلامی تاکنون ۴ قانون کار از جانب رژیم پیشنهاد شده که هر بار در اثر مقاومت کارگران به تصویب نرسیده است. در اولین قانون کار پیشنهادی از جانب رژیم اسلامی، کارگر به نصابه ایزاری که به اجاره سرمایه دارد در می آید تعریف شده بود و طبق آن سرمایه دار هیچگونه تعهد تقابلی در قبال کارگران نداشت! عرصه دیگری از مبارزات سیاسی کارگران تلاش برای برگزاری روز اول ماه مه بود. رژیم اسلامی در ابتدا با طرح این مسئله که از نظر اسلام کارگر و غیر کارگر با هم فرقی ندارند، از برگزاری مراسم در این روز جلوگیری می نمود. اما کارگران با مبارزات خود به رژیم نشان دادند که هویت مستقلی دارند، بطوریکه هم اکنون رژیم ضمن پذیرش روز کارگر تنها سعی می نماید که آن را در انحصار خود بگیرد و از برگزاری مراسم مستقل توسط کارگران جلوگیری نماید. اما مهم ترین عرصه مبارزه سیاسی کارگران طی سالهای گذشته مبارزه علیه جنگ بود، بدون شک مقاومت کارگران در این عرصه نقش مهمی در برانود آمدن رژیم و تن دادن به آتش بس نمود. مبارزه علیه اعزام اجباری به جبهه ها، مبارزه علیه آموزش نظامی اجباری در کارخانه ها، کم کاری در کارخانجات صنایع تسلیحاتی و نظامی، مبارزه علیه انتقال کارگران به صنایع نظامی از جمله عرصه های مقابله کارگران با جنگ بودند. کارگران که از همان اولین سالهای حاکمیت رژیم اسلامی زودتر از سایر اقشار اجتماعی به مخالفت با رژیم کشیده شدند با قدرت و توان تشکلهای خود حتی سیاه ترین دیکتاتوری ها نمی تواند جلوی آن را بگیرد در سالهای گذشته همواره بعنوان یک خطر جدی در برابر رژیم اسلامی قرار داشته اند. متأسفانه قدرت طبقه کارگر ایران را بیش از آنچه دوستانش دریابند، دشمنانش دریافته اند، بهمین دلیل نیز کارگران ایران ضمن آنکه همواره در زیر تیغ سرکوب رژیم اسلامی و

بسیاری از واحد های تولیدی با فرار سرمایه داران اداره امور بدست کارگران افتاد. اما این پایان ماجرا نبود چرا که با حاکم شدن رژیم جمهوری اسلامی در ایران و گذشت همان سالهای اول این حاکمیت ننگین کارگران در موقعیتی به مراتب دشوارتر از گذشته قرار گرفتند.

رژیم جمهوری اسلامی از همان ابتدای روی کار آمدنش حمله به تشکلهای کارگری و دستاورد های کارگران در انقلاب را آغاز نمود بطوریکه طی سالهای ۷۹ الی ۸۱ (۵۷ تا ۶۰) اکثر شوراهای مستقل کارگری سرکوب و نابود گردیدند، شروع جنگ با عراق در سال ۱۹۸۰ (۱۳۵۹) فرصتی به رژیم داد تا با استفاده از شرایط جنگی به سرکوب جنبش کارگری بپردازد. از سال ۸۱ (۶۰) به بعد همزمان با موج سرکوب سراسری در ایران رژیم هزاران تن از فعالین جنبش کارگری را دستگیر نمود و تعداد بیشماری نیز اخراج و یا تفراری گردیدند، فعالین انجمن کارگران تبعیدی ایرانی نیز از جمله کارگرانی هستند که برای در امان ماندن از تیغ سرکوب رژیم مجبور به ترک کشور گردیده اند. رژیم هم اکنون تعداد قابل توجهی از کارگران دستگیر شده را در سیاه چالهای خود نگه داشته و طی سالهای گذشته صدها تن از کارگران مبارز اعدام گردیده اند که گر چه رژیم از افشای نام آنان خود داری کرده ولی تاکنون اسامی بسیاری از آنان مشخص گردیده است. (انجمن کارگران تبعیدی ایرانی تاکنون لیست بیش از ۵۰۰ تن از کارگران اعدام شده را تهیه کرده است). رژیم جمهوری اسلامی همزمان با نابودی تشکلهای مستقل و غنی کارگران به ایجاد نهاد هایی به نام انجمن ها و شوراهای اسلامی پرداخت که تشکلهایی وابسته به رژیم بودند و شرط ورود در آنها نه دفاع از منافع کارگران بلکه پذیرش ایدئولوژی اسلام و تعهد به حمایت از نظام جمهوری اسلامی بود، که در حقیقت ارگانهای جاسوسی رژیم در میان کارگران بودند.

طی ۸ سال جنگ با عراق (۱۹۸۸-۱۹۸۰) طبقه کارگر ایران از یکسو به فلاکت اقتصادی کشیده شده و سطح دستمزد واقعی اش بشدت تنزل یافت و از سوی دیگر در اثر رکود تولید و نظامی کردن صنایع به ساخت طبقه کارگر ایران لطمات جدی وارد شد بطوریکه تعداد کارگران شاغل در صنایع بزرگ کاهش یافته و به سطح آمار مربوط به دهه ۷۰ یعنی ۲۰ درصد کل کارگران تنزل یافت. ممنوعیت هرگونه تشکل مستقل غنی و سراسری کارگری طی سالهای حاکمیت جمهوری اسلامی از دیگر بلاهای رژیم برای کارگران بوده است.

اما شرایط دشوار طبقه کارگر ایران طی دهه ۱۹۸۰ الی ۱۹۹۰ و تحت حاکمیت جمهوری اسلامی تنها یک روی سکه است، روی دیگر سکه مبارزات کارگران ایران طی این سالهاست. مبارزات کارگران طی این سالها به لحاظ گستردگی و میزان مقاومت با هیچ یک از دوره های پیشین حیات آن قابل مقایسه نیست، بخصوص که این مبارزات در شرایط حاکمیت یک دیکتاتوری قرون وسطایی صورت گرفته است. نگاهی به آمار مبارزات کارگری می تواند این ادعا را ثابت نماید، هر چند که آمار موجود عدتاً متعلق به گزارشاتی است که توسط سازمانهای سیاسی ارائه گردیده و طبق اظهار خود این نیروها بیانگر بخش کوچکی از مبارزات انجام شده توسط کارگران است (به علت ممنوعیت تشکلهای سراسری و غنی کارگری علاوه امکانی برای دستیابی به آمار کامل مبارزات کارگری وجود ندارد).

طی دهه ۸۰ الی ۹۰ بیش از ۲۰۰۰ حرکت کارگری گزارش شده است که بخش قابل توجهی از آن بشکل اعتصاب بوده است،

پیام اتحاد کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

به : انجمن کارگران تبعیدی ایرانی

دوستان و رفقای عزیز کارگر تبعیدی!

پیام مجمع عمومی انجمن شهابه افراد، سازمانها، تشکلهای کارگری، احزاب و مجامع دمکراتیک و مترقی، به تدرج در شماره ۷ کارگر تبعیدی مبنی بر درخواست حمایت و همکاری از آنها، اتحاد کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) را بر آن داشت تا بدینوسیله حمایت و همکاری خود را با انجمن شما اعلام دارد.

از آنجاکه طی سالیان گذشته اختناق و سرکوب بیسابقه ضدانقلاب حاکم بر ایران مبارزین و انقلابیون بسیاری را وادار به خروج از کشور نموده، که بخشی از آنها را کارگران پیشرو و فعالین جنبش کارگری تشکیل می دهد. و این روند همچنان ادامه دارد. همه انقلابیون را به ادامه مبارزه علیه این رژیم ضدکارگری در خارج از مرزهای ایران نیز موظف می دارد. ضرورت ادامه مبارزه جنبه های متنوعی را شامل می گردد، که از میان آنها مضمون فعالیت انجمن شما - که همانا دفاع از مبارزات کارگران ایران در زیر استعمار و حشیانه و تحت سرکوب لگام گسیخته در کنار جاسوسان رژیم تحت عنوان شوراه انجمن اسلامی، و جلب حمایت جهانیان - بویژه اتحادیه های کارگری - جایگاه ویژه ای دارد. کارگران ایران با همه دشواریهای موجود و فلاکت عمومی، با بهره گیری از ابتکارات و تجربیات جدید، مداوما مبارزات خود را از طریق اعتصابات، اعتراضات و تظاهرات پیش می برند، در حالیکه همچنان از ابتدائی ترین شکل خود برخوردار نیستند و صدای اعتراض آنها به گوش مردم و کارگران جهان نمی رسد.

شکی نیست که معرفی تجربیات، مبارزات و مطالبات طبقه ایران در سطح جهان و جلب حمایت جهانیان از این مبارزات اهمیت ویژه می یابد و فعالیت مستمر شما در برقراری ارتباط با کارگران کشورهای مختلف و پیشبرد عملی همبستگی با آنها و افشای اعمال و حشیانه ترین سرکوبها از جانب رژیم بر کارگران توسط شما، با استفاده از مشاهدات و مشکلات حضوری و عملی یکایک شما در دوره کاروندگی در کشورمان، همگی دال بر حقانیت شما و طبقه کارگر ایران است که در تحقق اهداف و برنامه انجمن موثر خواهد افتاد. اما پیوند و ارتباط با مبارزات جاری کارگران ایران از جانب انجمن از یکسو، و امکان رساندن صدای کارگران تبعیدی از طرق مختلف به داخل کشور از سوی دیگر، به بیوثنای وزنده تر بودن فعالیت انجمن یاری خواهد رساند.

دوستان و رفقا!

نقش کارگران در تحولات سیاسی هر کشور جایگاه خاصی داشته و در صورتیکه کارگران بنامه طبقه در این تحولات نقش هژمونیک نداشته و مبرطیقاتی خود را برای مبارزات نزنند، طبقات و اقشار دیگر نمایندگان آنها در دگرگونیها و تحولات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی تاثیرات خود را خواهند گذاشت و این تحولات را در مسیر منافع طبقاتی خود قرار داده و جنبش را به انحراف می برند. تحولات کشورهای اروپای شرقی و اتحاد شوروی این تجربه را در سطحی فراگیر به نمایش گذاشت و عمل ثابت نمونیکه این خود کارگرانند که باید خود را سازمان دهند.

خوشبختانه طبقه کارگر ایران هم اینک دور جدیدی از فعالیت صنفی-سیاسی خود را از پیش می برد و می رود که در دگرگونیهای آتی نقش تعیین کننده خود را ایفا نماید! طبعاً هر کارگر و هر انقلابی ای در چنین شرایطی وظایف سنگینی بعهده دارد، که مستلزم تلاش و فداکاری هر چه بیشتر و همبستگی و همکاری همه نیروهاست که در راه این آرمان بسزراگد کارگری گام برمی دارند.

ما، موفقیت انجمن شما را در جهت تحقق اهداف و بیلاتفرم آن صمیمانه آرزو مندیم و امیدواریم فعالیت انجمن شما بنامه بازوی تشکلهای کارگری در خارج کشور و در راستای ایجاد تشکلهای مستقل کارگری موثر افتد.

اتحاد کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

۱۳۶۸/۲/۱۹

گزارشی از جلسه سخنرانی حول مسائل کارگری

بدعوت انجمن کارگران تبعیدی (واحد هانوفر) - و رهبران علی که اینک در جنبش کارگری شکل گرفته اند و آلمان غربی) در اجرای تصمیمات مجمع عمومی انجمن دایر بر برگزاری سمینارها و جلسات کارگری، در تاریخ ۹۰/۴/۲ جلسهای تریکی از سالنهای دانشگاه هانوفر برگزار شد.

در این جلسه که رفیق ناصرباگر یکی از فعالین جنبش کارگری و از پایه نگاران خانه کارگر بعد از قیام و نیز از اعضای انجمن کارگران تبعیدی شرکت داشت، ابتدا یکی از رفقا بصورتی جلسه پرداخت و سپس رفیق ناصربا نگاهی به تاریخچه جنبش کارگری در چند ساله اخیر (سالهای قبل از قیام و بعد از آن تاکنون) گوشه ای از وضعیت مبارزاتی کارگران، تشکلهای آنها، ضعفها و نقطه قوت های آن و بالاخره انحرافات مختلف در جنبش کارگری را تشریح نمود و سپس به تشریح دیدی از کارگران فعال و پیشرو

و رهبران علی که اینک در جنبش کارگری شکل گرفته اند و آلمان غربی) در اجرای تصمیمات مجمع عمومی انجمن دایر بر برگزاری سمینارها و جلسات کارگری، در تاریخ ۹۰/۴/۲ جلسهای تریکی از سالنهای دانشگاه هانوفر برگزار شد.

در این جلسه که رفیق ناصرباگر یکی از فعالین جنبش کارگری و از پایه نگاران خانه کارگر بعد از قیام و نیز از اعضای انجمن کارگران تبعیدی شرکت داشت، ابتدا یکی از رفقا بصورتی جلسه پرداخت و سپس رفیق ناصربا نگاهی به تاریخچه جنبش کارگری در چند ساله اخیر (سالهای قبل از قیام و بعد از آن تاکنون) گوشه ای از وضعیت مبارزاتی کارگران، تشکلهای آنها، ضعفها و نقطه قوت های آن و بالاخره انحرافات مختلف در جنبش کارگری را تشریح نمود و سپس به تشریح دیدی از کارگران فعال و پیشرو

تجربه اجرا و پیاده کردن

ارزنده ۲ طرح طبقه بندی

وجلسات متعدد خود با کارفرما می گذاشت و رفته رفته کارگران اعتماد خود را بآن از دست دادند. هر وقت کارگر از وضعیت شغلی خود می پرسید، جواب سر بلایمی می شنید یا باینده حواله داده میشد. حدود ۲ سال از بستن قرارداد طبقه بندی گذشته بود ولی هنوز سر نوشت آن کسی چیزی نمی دانست. رفته رفته ما توانستیم بکک چند کارگری دیگر، کمیته را به زیر سؤال بکشیم و خواستار حضور در جمع کارگران و پاسخ به نحوه پیاده کردن طرح و مراجع پیشرفت آن و علت تعویق آن و غیره شویم.

در جلسهای که با حضور همه کارگران تشکیل شد کمیته طرح طبقه بندی، بالاخره مجبور شد به برخی حقایق اعتراف کند: اولاً مدیریت از همان ابتدا با اجرای طرح مخالف بوده و از زبان یکی از آنها معلوم شد که کمیته تحت فشار قرار داشتند و یکی از آنها هم با مدیریت ساخت پاخت کرده بوده و ثانیاً طرح و مجری طرح هم مقادیر حق و حساب گرفته تا میزان افزایش حقوق را بنسبت دلخواه مدیریت و بین کارمندان و قسمت های فنی و تکنیک از کارگران وابسته تقسیم کند و برای برخی از شاغلان افزایشی در نظر گرفته نشده است. این افزایش باعث شد که کارگران به کمیته اعتراضی نمایند و خواستار تعویق نمایندگان خود در کمیته طبقه بندی شوند. باین ترتیب یکی از اعضای کمیته استعفا می دهد. و نماینده سرپرستان بیش از گذشته نزدیک کارگران افشایی شود و لی چون نماینده سرپرستان بود، کارگران نمی توانستند او را برکنار کنند. او هم باتیانی کارفرما استعفا داد که باین ترتیب کمیته از اکثریت بیفتد و عملاً منحل شود. اجرای طرح معلوم نماند.

اما کارگران بلافاصله يك نفر دیگر را بجای مستعفی انتخاب کردند و به سرپرستان هم تکلیف کردند که باید حداقل تا دو هفته دیگر بکفر نماینده از سوی خودم معرفی کنند. این شخصی که میان کارگران منفرد بود، چندین بار نزدیک بود بخاطر کارشکی های در اجرای طرح کتک بخورد و حتی یکبار کارگران قصد داشتند او را بکارخانه راه ندهند و اخراج کنند که بواسطت کارگری و عوامش و نیز شورائی ها مسئله فیم یافت.

بهر حال نماینده جدید کارگران ا غلب مسائل را که در جلسات با مدیریت می گذشت در نهار خوری برای کارگران تعریف نموده و از کارشکی های کارفرما در اجرای طرح کارگران را با خبر می ساخت.

این مسائل باعث شد که کارفرما تصمیم بگیرد که نماینده جدید طرح را اخراج کند. او ابتدا با کتک ایستاد خود در وزارت کار، صلاحیت نماینده جدید را بر سر برد و اعلام کرد که کمیته طرح طبقه بندی دائمی هستند و کارگران نمی توانند نماینده جدیدی انتخاب کنند هر چند خود وی استعفا داده باشد! و به بخش نام وزارت کار استناد می کرد. و سپس کارگری کارخانه به پناهنده تحریک کارگران و ایجاد اغتشاش و پائین آوردن تولید در شرایط جنگی و غیره حکم اخراج نماینده جدید طرح را صادر کرد.

از فلزکاران آلمان چه خبر؟

صفحه ۱

تحقق ۳۶ ساعت کارهفتگی به ۱۹۹۳ و ۳۵ ساعت به اکتبر ۱۹۹۵ (تقریباً پایان این سال) موکول شد، این تفاوت که ۱۸ درصد کارگران باید تا ۴۰ ساعت هفته کار کنند. همچنین ۶ درصد اضافه دستمز برای مدت سال - برای آوریل و مه ۲۱۵ مارك - با اضافه - تازاتی برای کارگران آموزش دیده ۰۰۰ قبل از هرگونه تفسیری روی نتیجه مذاکرات، هم به آمار بزوجه کیم:

سودخالص سرمایه دار آلمانی از سال ۱۹۸۰ بعد ۱۲۳ درصد رشد داشته و تنها در ۱۹۸۹ بالغ ۴۰۰ میلیارد مارك میشود.

سرمایه دار آلمانی توانسته هر ساله ۱۰ درصد بر خود بیفزاید و تنها سه کمترین صنعت فلز - نایلوپولیز، زمین، و VW - بر طبق پیش بینی بانک نیویورک از بهرهای معادل ۶۳۶ میلیارد مارك ۱۹۹۰ برخوردار می شوند.

رشد سود سرمایه دار آلمانی در طی ۵ سال ۱۹۸۲ - ۱۹۸۷ بالغ بر ۱۶۶ درصد شده میزان سرمایه گذاری بالغ بر ۶۶ درصد می شود.

رشد سهم صادرات آلمان در فاصله بیست و نه سال ۱۹۸۸ تا ۱۹۸۰ از ۱۰ میلیارد مارك به ۱۴۰ میلیارد مارك رسیده است.

کارموند صنعتی از ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۸ یعنی طی ۸ سال بطور متوسط ۴۲ درصد رشد داشته است. یعنی همان مقدار تولیدی که در ۱۹۸۸ با ۲۸ ساعت کار انجام می شده، در ۱۹۸۸ در عرض ۲۸ ساعت انجام می گیرد.

فقط در صنعت فلز سود سرمایه دار از ۱۰/۷۱ میلیارد مارك در ۱۹۸۲ به ۲۸/۷۱ میلیارد در ۱۹۸۷ میرسد، یعنی رشدی معادل ۱۶۸ درصد داشته است.

در حالیکه آلمان غربی در ۱۹۸۶ یک کک کار هفتی ۱۸ درصد از کارگانش، از نظر بازدهی تولید درآمد کشورهای اروپائی قرارداد داشت، در ۱۹۸۹ میزان کارگران شیفت کار رابه ۲۵ درصد افزایش داده است.

ساده ترین نتیجه ای که این آمار بدست میدهد، کم و کار پر رونق سرمایه داران آلمان است و باید گفت که تمامی محتوای دفاعیات سرمایه رابتدا حفظ این طبقه و سپس تعرضی به اردوی کار برای افزایش این طبقه تشکیل می دهد. این ادعا را با آوردن چند نقل قول از خود این سرمایه داران ثابت می کنیم:

"اگر اوضاع طوری باشد که توانائی رقابت سرمایه داران آلمانی زیر سؤال برود، آنوقت اتحادیه کارگران باید از مطرح کردن ساعت کار کمتر صرف نظر نماید".

"جمهوری فدرال آلمان کشور است که قویا به صادراتش وابسته می باشد، بهین دلیل اینکه چند ساعت کارهفتگی باید صورت بگیرد و فقط بازار داخلی اروپا و اینکه آلمان در کجای آن قرارداد معین می کند".

"... مثلا وقتی کارگران متخصصی و مهندسی در این سالانه ۵۰۰ ساعت بیشتر از کار می کنند، باین مناسبت که در این ۵۰۰ ساعت از نظر ابتکار و نوآوری از ما

بیشتر است"، بهین دلیل است که این سرمایه داران شاهد "افزایش ساعت کار تا ۴۰ ساعت در هفته و در صورت

لزوم تا ۶۰ ساعت در هفته" پشت میز مذاکره با اتحادیه می نشیند.

"مذاکره سر کوتاه کردن ساعت کار باید با توجه به موقعیت اقتصادی صورت گیرد، بویژه موقعیت اشتغال در صنعت فلز و صنعت الکترونیک از یک طرف ناچار باید با رشد در آلمان و از طرف دیگر با ساعت کار در کشورهای اروپائی بازاری مشترک همراه و هماهنگ باشد".

سرمایه دار آلمانی سراسیمه برای تجدید آرایش تولید بر مبنای مدرن ترین تکنیکها کارگران اضافی را بیکار می کند، با درگرددش نگاه داشتن ۲۴ ساعته چرخ تولید و افزایش کار ماشین ها، تعطیلات آخر هفته را محدود

می نماید، کار را چند شیفته می کند و جان و سلامت کارگران رابه بازی می گیرد، سرمایه دار آلمانی با طرح لزوم همخوانی شرایط کار آلمان با آنچه که در کشورهای بازار مشترک اروپا حکم فرماست، با طرح ضرورت رقابت سرمایه

آلمانی با سرمایه جهانی و بالاخره با طرح لزوم افزایش ساعت کار نیروی متخصصی برای پیشرفت صنعت آلمان، در مقابل مبارزات کارگران برای کوتاه کردن ساعت کارهفتگی شان قرار میگیرد.

سرمایه دار آلمانی با استفاده از فروری - سوسیالیسم در کشورهای اروپای شرقی، به منظور تسخیر بازار داغ سرمایه در این کشورها و با طرح شعار

عوام فریبناهی "از خود گذشتگی برای سرزمین پدری" فشار بر کارگران را بیشتر می کند و بر آنها نهب می زند که فعلا

وقت وصول طلب هایشان نیست و خلاصه اینکه سایه سود سرمایه ای را بر سر هر تنگی می اندازد. حال ببینیم آمار تغییرات مزد و ساعت کار و اشتغال از چه خبر می دهند:

"میزان ساعت کارهفتگی در قرارداد تعرفه از ۱۹۸۴ - ۱۹۸۹ فقط ۲ ساعت کاهش یافته و به ۲۸/۲ ساعت در هفته رسیده است. ولی در همین حال کارهفتگی در کارخانجات چند شیفته از ۹۱/۲ ساعت در ۱۹۸۴ به ۹۶/۳ ساعت در هفته در ۱۹۸۹ رسیده است، یعنی ۵/۶ درصد افزایش پیدا کرده.

سهم مزد ها بر مبنای این آمده، یعنی از ۶۹ درصد در سال ۱۹۸۷ به ۶۸ درصد در ۱۹۸۸ و به ۶۷/۶ درصد در سال ۱۹۸۹ نزول می کند.

میزان اشتغال فقط ۲/۸ درصد رشد داشته است. (آنها هم میزان رشد سود سرمایه گذاری که قبلا آمد مقایسه کنید) بعلاوه از مجموعه کارگران متخصص فقط ۶۵ درصد استخدام شده اند که از این عده تنها ۷۳ درصد بر طبق تخصصی شان بکار گرفته شده اند و با ۶۹ درصد استخدام شده است. و بر طبق آمار دیگر ۲/۱ میلیون نیروی

متخصص در حرفه ای بنابر تخصصی شان کار می کنند و فقط در تابستان ۱۹۸۹، ۳۶۰۰۰ کارگر متخصص در لیست بیکاران آورده شده اند. درصد بیکاری در کارگران

متخصصی نسبت به سال گذشته ۱۷ درصد بالاتر است (مقایسه کنید با اعداد سرمایه داران منی برای تکنیک و نوآوری)

متخصصی را در لیست برای لزوم ۴۰ ساعت کار در هفته و مخالفت با کوتاه کردن ساعت کار می شمارند). در صفحه ۱۳

درصد بیکاری در کارگران متخصصی نسبت به سال گذشته ۱۷ درصد بالاتر است (مقایسه کنید با اعداد سرمایه داران منی برای تکنیک و نوآوری)

متخصصی را در لیست برای لزوم ۴۰ ساعت کار در هفته و مخالفت با کوتاه کردن ساعت کار می شمارند). در صفحه ۱۳



اخبار تظاهرات اول ماه مه

آلمان غربی

★ در تظاهرات اول ماه مه که از طرف اتحادیه‌های کارگری آلمان غربی فراخوان داده شده بود ۶۳۰ هزار نفر شرکت کردند. نمایندگان DGB برایست در اجتماع ۶۰ هزار نفره برلین ضمن دفاع از خواست ۳۵ ساعت کار در هفته، اعلام داشت که هزینه وحدت دو آلمان نباید از جیب کارگران پرداخت شود. وی خطاب به سرمایه‌دارانی که خواب بهره برداری از سطح قلییل دستمزد و ضعف سنت مبارزات اتحادیه ای را در آلمان شرقی می بینند اخطار کرد که فکر زیبا گذاشتن دستاوردهای اجتماعی کارگران آلمان غربی را به بهانه وحدت دو آلمان را از سر بیرون کنند و اظهار امیدواری نمود که باید دست آشن حق اعتصاب، ممنوعیت اخراج، حق شرکت در

تصمیم گیری و حق کار و مسکن در آلمان شرقی، را برای حل این مشکلات در آلمان غربی نیز گشوده گردد.

★ در اجتماع ۱۸ هزار نفره اول ماه مه در هانوفر اشتاین کولر نماینده IG Metall اظهار داشت: ما تحمل نخواهیم کرد در کشوری زندگی کنیم که در آن قوی، ضعیف را ببلعد و حق زنان محدود شود و خارجیا را اخراج نمایند. وی سپس سرمایه‌داران را متهم کرد که با تهدید به اخراجهای گسترده تمام راه را برای مذاکره بر سر کوتاه کردن ساعت کار بستند و با تهدید آنها به اینکه اگر نخواهند پای میز مذاکره خواسته‌های کارگران را بشنوند، ضرباتی را در کارخانجاتشان خواهند خورد، گفت که: "این سرمایه‌داران هستند که ماکرگران را به اعتصاب و مبارزه مجبور کرده‌اند. ما اجازه نخواهیم داد که تحقق ۳۵ ساعت کار را به زمانی موکول کنید که هیچگاه

ترکیه

یک روز قبل از اول ماه مه پلیس به کسانی که بخواهند مراسم این روز را برگزار کنند اخطار کرد که "ما شلیک می‌کنیم" همین سال گذشته بود که یک جوان با شلیک گلوله پلیس قربانی تظاهرات اول ماه مه شد. ۲۰۰۰ پلیس و ۶۰۰۰ سرباز ویژه تعلیمات مخصوصی با سگ های درنده وارد شده از آلمان غربی در استانبول محلات کارگری را محاصره کردند. کاراتوبوس ها از طرف دولت متوقف شد تا در انتقال تظاهر کنندگان وقفه بیفتد. با وجود این هزاران نفر در تظاهرات شرکت کرده و با پلیس درگیر شدند. در ازبیرو آنکارا هم تظاهرات شد. کار در کارخانجات کوچک هم بمدت ۲ ساعت تعطیل شد و کارگران به رقص و پایکوبی پرداختند. تظاهر کنندگان اول ماه مه ترکیه را اعلامیه شان خواستار حقوق دمکراتیک و تعطیل روز اول ماه مه شدند، حدود ۴۰۰۰ نفر در استانبول دستگیر شدند، پلیس حتی زخمیها را هم از بیمارستانها جمع کرد، یک دانشجو هم از ناحیه پشت با گلوله پلیس زخم خطرناکی برداشت. لازم به تذکر است که یکی از سرمایه‌داران بزرگ ترکیه تعطیل کردن این روز را به دولت توصیه کرده تا از ناآرامی گسترده در کارخانجات جلوگیری شود و دست دولت ترکیه در سرکوب مقاومت کردهای ترکیه بازتر گردد.

انگلیس

اسال در بریتانیای کبیر مراسم اول ماه مه به بعثت خشمی که از مالیات سرانه دولت تاجر فقرا این جامعه را در بر گرفته است استقبال زیادی روبرو گردیده. بعنوان مثال در منطقه Leeds که معمولاً فقط حدود ۴۰۰ نفر در تظاهرات شرکت میکنند اسال جمعیت شرکت کننده در تظاهرات بالغ بر ۲۰۰۰ نفر بودند. در همین روز ۳۰۰ کارمند دولتی در منطقه Greenwich بر علیه اخراج ۱۴ نفر از همکارانشان که از پرداخت مالیات سرباز زده بودند تظاهرات کردند.

نخواهد آمد"، و تحقق فوری آنرا موثرترین راه در مقابله با بیگاری ۲ میلیونی شمرد. وی سپس خواستار ممنوعیت اخراج، خلع سلاح، حقوق برابر برای خارجی‌ان و برسمیت شناخته شدن حاکمیت مستقل آلمان شرقی گردید.

بعلاوه گروههای مختلف کارگری باشعارهای تحقق فوری "۳۵ ساعت کار در هفته با حقوق کامل"، "در روز تعطیل آخر هفته"، "بدون رای گیری همگانی هیچگونه تصمیمی نباید گرفته شود"، "لغو اضافه کاری و شب کاری"، "و کارگران کرپ باشعار "نامه کارنامه محدود کارخانه با حفظ تمامی شغل ها" و اعضا اتحادیه ۲۷ باشعارهایی بر علیه شرایط بد درمانی و بالاخره نیروهای پلیس باشعارهایی از قبیل "فعالان بر علیه سیاست امپریالیستی آلمان بزرگ و اروپا بیاخیزیم" "مبارزه برای کار، صلح و حقوق سیاسی - پیش بسوز سوسیالیسم"، "برای آلمان بزرگ" نمی گذاریم دستاوردهایمان را از ما بگیرد"، "زنده باد مبارزه بین المللی طبقه کارگر برای صلح، آزادی و سوسیالیسم" و "قانون ارتجاعی ضد خارجی را لغو کنید" در تظاهرات شرکت کرده بودند.

اسپانیا

صدها هزار نفر با فراخوان دو اتحادیه بزرگ کارگری اسپانیا در روز اول ماه مه در مادرید تظاهرات کردند. شعارها عمدتاً بر علیه سیاست اقتصادی دولت گونزالس، بر علیه ۱۶/۲ درصد بیگاری و بر علیه قراردادهای کوتاه مدت و مقطعی کار بود شعاری که بیشتر از همه جلب نظر مینمود خواست ۳۵ ساعت کار در هفته بود.

پرو

اتحادیه کارگری پرو تظاهرات اول ماه مه اسال را بطرف محل مقبره رهبر کارگری مارکیست پرو، جوزه کارلوس، مارینه گوئی که بنیانگذار حزب کمونیست پرو در سال ۱۹۲۸ بود، برگزار کرد. رهبران اتحادیه خواسته‌هایی از قبیل پرداخت مزدهای عقب افتاده، افزایش دستمزد، اتحاد عمل در مورد قراردادهای تعرفه و اعتراض بر علیه اخراج را مطرح کردند. بمنظور تحقق این خواسته‌ها در حال حاضر صدها کارگر و کارمند در اعتصاب بسر میبرند.

شوروی

یک ساعت پس از شروع مراسم دولتی جشن اول ماه مه در میدان سرخ، گروههای مختلف اپوزیسیون وارد میدان شدند. شعارها عمدتاً علیه شخصی گورباچف بود که با عنوان "دیکتاتور" خواهان کناره گیری او بودند با شروع حرکت این جمعیت، اعضای دفتر سیاسی به همراه گورباچف میدان را زیر سوت کشیدنهای دهها هزار تظاهرکننده ترک کردند. یکی از شعارها عبارت بود از: "پرستش لنین را کنار بگذارید" نیروهای ملی‌بیتوانی هم با شعارهای ملی و قسمتی از جمعیت هم با شعارهایی که خواهان اجرای سنت‌های پارلماناریستی بورژوازی بود در تظاهرات شرکت داشتند و اما جمعیت معترضی از کارگران شعارشان این بود "موادغنائی که دیگر کالای لوکی نیست" و "ویلاهای تابستانی تان را پس بدهید" (خلاصه خبر)

زنده باد اول ماه مه، روز همبستگی جهانی کارگران!

اخبار تظاهرات اول ماه مه

آلمان غربی - هانوفر

امسال انجمن کارگران تبعیدی - واحد هانوفر تصمیم می گیرد علاوه بر شرکت در راهپیمایی روز جهانی کارگر که از چند نقطه در شهر هانوفر شروع شده و به میدان مقابل دفتر مرکزی اتحادیه سراسری کارگران آلمان DGB منتهی می شود، خود نیز با گروهی از کارگران ترك مراسم مشترکی در محل خانه ایرانیان (مرکز سیاسی - فرهنگی) در هانوفر برگزار کند .

برای این منظور پلاکاردی با شعار " زنده باد اول ماه مه - روز همبستگی بین المللی کارگران جهان " و نیز ۴ عدد شعار بزرگ نویسی شده بر زبان آلمانی با ضمون :

۱- ما از حواست کارگران آلمانی برای ۳۵ ساعت کار در هفته با حقوق کامل حمایت می کنیم!
۲- کارگران ایران حق داشتن تشکل مستقل و حق اعتصاب ندارند!

۳- کارگران ایران حق برگزاری مراسم مستقل اول ماه مه را ندارند!
۴- ما از تمامی خواسته های کارگران آلمان حمایت می کنیم!

تهیه شد . و نیز با پخش چند ترك و اعلامیه از همه پناهندگان و کارگران دعوت شد که در این مراسم هر چه وسیعتر شرکت کنند . لازم بذکر است که امسال مراسم اول ماه مه در آلمان بخاطر مسئله پایان یافتن مهلت قرارداد کار و اصرار و پافشاری اتحادیه های بزرگ کارگران آلمان (بخصوص سندیکای فلزکاران IGM برخواست ۳۵ ساعت کار در هفته و نیز ۹ تا ۸/۵ درصد افزایش دستمزد، از شور و هیجان بیشتری برخوردار بود و نسبت به سالهای قبل تعداد کارگران شرکت کننده در مراسم بسیار بیشتر بود .

حدود ساعت ۹/۵ مارش کارگران شروع شد و صف کارگران براه افتاد . در طول راه از بلندگوهای اتحادیه شعارهای کارگری و عدالتا حول ۳۵ ساعت کار پخش می شد و گاهی هم شعار " زنده باد همبستگی بین المللی " داده میشد .

تقریباً اکثر ایرانیان که در مراسم شرکت کرده بودند ، در پشت پلاکارد انجمن کارگران تبعیدی حرکت می کردند و شعارهای ما در رابطه با حمایت از خواسته های کارگران آلمان و نیز جلب پشتیبانی از کارگران ایران توجه بسیاری از کارگران را بر می انگیخت .

حدود ساعت ۱۱ مراسم گرد همایی و سخنرانی نمایندگان اتحادیه و نیز شهردار هانوفر و نمایندگان کارگران ترك و ملیتهای دیگر آغاز شد .

در مراسم امسال بخاطر اهمیت موقعیت زمانی و نیز همزمانی با انتخابات ایالتی در هانوفر ، دبیرکل سندیکای فلزکاران آلمان در مراسم اول ماه مه در هانوفر سخنرانی میکرد .

بعد از پایان مراسم سخنرانی ها ، اعلامیه های اول ماه مه انجمن بر زبان آلمانی بین کارگران و شرکت کنندگان در گرد هم آیی پخش شد .

مراسم بعد از ظهر که مشترکاً با يك گروه ترك در محل خانه ایرانیان گرفته شده بود ، با پیام رفقای ترك بناسبت اول ماه مه شروع شد و سپس اعلامیه اول ماه مه انجمن کارگران تبعیدی بناسبت اول ماه مه توسط یکی از اعضای انجمن قرائت شد . آنگاه موسیقی ترکی و سپس يك گروه ایرانی موسیقی ایرانی اجرا کردند و در اثنای آن ، رقصهای محلی کردی و ترکی توسط حاضرین با اجرا درآمد که شور و هیجان خاصی به جشن کارگرمیان داد .

این مراسم حوالی ساعت ۶ بعد از ظهر پایان یافت .

مراسم کارگران ملیتهای مختلف در لندن

يك گروه هنری متشکل از زنان کارگران معدنچی انگلیسی

اجرا شد . این گروه در جریان اعتصاب عظیم معدنچیان انگلیس شکل گرفت و هنوز هم به فعالیت خودک دفعاع از اعتصاب و حقانیت مبارزه معدنچیان و بیان وضعیت کارگران می باشد نامه می دهند .

لازم بتوضیح است که این اعتصاب که در سالهای

۸۴ - ۸۵ اتفاق افتاد تاثیرات مهمی بر خانواده های کارگران معدن می گذاشت ، در طول این اعتصاب زنان کارگران معدنچی از خانه و آشپزخانه بصره فعالیت اجتماعی کشیده شدند و بر سن و فرهنگ مردسالاری ضرباتی وارد کردند .

در پایان کلیه شرکت کنندگان در حالی که برپایه خواسته بودند سرود انترناسیونال را با یکدیگر خوانند . و باین ترتیب این مراسم در میان احساسات هم سرنوشته عمیق کارگران جهان پایان یافت .

ناصریادگار (آلمان غربی)

۹۰/۵/۲۰

جلسه باخوش آمدگویی و پیام از جانب نماینده

جمع عمومی اتحادیه های لندن شروع شد . سپس يك کارگر ترك از جانب اتحادیه کارگران ترك پیام داد .

دبیر اتحادیه سراسری کارگران شیلی در تمیید پیامی خواند .

رفیق پخاله یکی از رهبران کارگران نفت ایران

پیامی از جانب "انجمن کارگران پناهنده ایرانی- لندن" کارگران معدنچی از خانه و آشپزخانه بصره فعالیت اجتماعی کشیده شدند و بر سن و فرهنگ مردسالاری ضرباتی وارد کردند .

و سرانجام نمایندهای اتوپیائی پیامی خواند .

در خلال این پیامها برنامه های هنری توسط گروه های موزیک از ترکیه، شیلی، بولیوی، انگلستان، پرو اجرا شد، که شدیداً مورد توجه حاضرین در جلسه قرار گرفت . بخصوص یکی از این برنامه های هنری که توسط يك گروه انگلیسی اجرا شد، ترانه و سرودهایی بود که از جانب

امسال حوالی اول ماه مه سفری به انگلستان

داشتم، در لندن تشکل های کثیری و گروه های سیاسی مراسم های مختلفی را برگزار کرده بودند . لیکن یکی از این ها برایم بیشتر جالب بود آن موسیقی بود که بسیار به ایده اول ماه مه یعنی همبستگی بین المللی کارگری نزدیک بود .

یکشنبه شب ۲۹ آوریل به ضاسبت اول ماه مه

کارگرانی بانژاد هاو ملیت های مختلف بطور مشترک برگزاری این مراسم را به عهده گرفته بودند و فراخوانی باضای خود داده بودند .

این مراسم در يك باشگاه کارگری در یکی از محله های لندن اجرامی شد . برگزار کنندگان تشکل های کارگری از انگلستان ، شیلی ، کردستان ، ترکیه ، ایران ، عراق ، اسپانیا و ... بودند .

ضمون این مراسم شامل پیامها و برنامه های هنری بود .

باشنای های زیر با ما مکاتبه کنید :

دانمارک :

Khosravi
Posterestante K 21
The main station
1570 K.b.h
Danmark

اتریش :

Schulgasse
Postfach 506
Wien 1181
Österreich

دفتر مرکزی: آلمان فدرال

Postlagerkarte
Nr. 042037 B
6230 Frankfurt a/M 80
W. Germany

پیام انجمن کارگران تبعیدی ایرانی - هانوفر به کارگران آلمانی بمناسبت اول ماه مه

همکاران و دوستان!

قرارداد، حال باید دولت آلمان را در جهت قطع روابط اقتصادش با دولت ایران تحت فشار قرار دهد. حمایت شما از خواست کارگران ایران در برپایی تشکلات مستقل کارگری و حق اعتصاب، سبب پشتگرمی و قوت آنان در این مبارزه خواهد بود.

همکاران!

ما امروز خود را در میان شما تنها احساس نمی کنیم و سر نوشت مشترک ما با اطمینان خاطر و قدرت می بخشد. اما کارگران ایران در چنین روزی حق برپایی مراسم اول ماه مه را ندارند و هرگونه تظاهراتی در این روز توسط قوای نظامی سرکوب می گردد!

کارگران ایران در این امید بصری برند که روزی فرا برسد که در آن روز شانه به شانه هم در سراسر جهان در مارش عظیم اول ماه مه شرکت کنند و همبستگی بین المللی خود را به جهانیان اعلام نمایند.

زنده باد اول ماه مه، روز مبارزه بین المللی ما کارگران!

توضیح اینکه: "انجمن کارگران تبعیدی ایران" - واحد هانوفر، در نامه ای به تاریخ ۷ مارس از اتحادیه سراسری کارگران آلمان DGB (شاخه هانوفر) درخواست نمود تا اجازه دهد متن این پیام را که بزبان آلمانی نوشته شده بود از تریبون اتحادیه در محل تجمع کارگران و در پایان راهپیمایی اول ماه مه خطاب به کارگران آلمان قرائت شود. DGB بعد از گذشت حدود یکماه و سی جواب گذاشتن این درخواست، بالاخره در جواب نامه دوم که تکرار و باره تقاضای ما برای قرائت پیام و برپایی میز اطلاعات در محل پایمان مراسم اول ماه مه در هانوفر بود، متنی با این مضمون برپایان ارسال داشت:

"ما در جلسه ۱۲ آوریل خود تصمیم بر این گرفتیم که از برپایی مراسم مشترک با گروههای سیاسی، حال از هر ملیتی که باشند احتراز کنیم. به همین دلیل متأسفانه برای شما نیز نمی توانیم چنین امکاناتی قائل شویم." و این در حالی بود که ما قبلاً توضیح داده بودیم که یک تشکل کارگری مستقل از گروههای سیاسی هستیم. بعلاوه در همان روز در محل برپایی مراسم اول ماه مه گروههایی از کارگران ترک، یونانی و... اقدام به زدن چادر و میز اطلاعاتی و غیره کرده بودند و نیز گروههای سیاسی آلمانی (مانند MLPD و SAG و...) در محل گرد هم آیی اول ماه مه میز اطلاعاتی گذاشته بودند و کسی مزاحم آنها نبود!

اول ماه مه، روز جشن بین المللی کارگر را به همه کارگران جهان تبریک می گویم! در چنین روزی در سراسر جهان کارگران بحسرت در می آیند و یکبار دیگر دنیا را که سرشار از نابرابری، فقر، تبعیض ملی و نژادی و جنسی می باشد اعلام می کنند که ما کارگران که آفریننده تمام نعمات و پیشرفت های بشری هستیم، دنیای دیگری را خواهیم ساخت.

اول ماه مه جشن اتحاد تمامی کارگران روزیست که در آن کارگران عزم خود را در مبارزه برای رهایی انسان به نمایش می گذارند. در این روز در سراسر این کره خاکی، از معادن آفریقای جنوبی گرفته تا صنایع فولاد و فلز در آلمان غربی، از بنادر لهستان تا کارخانجات ایران، همه چرخها به اراده کارگران از کار باز می مانند تا نشان دهند که این جهان را زحمت و تلاش ما می سازد، اما سهم ما از آن چیزی جز درد ورنج نیست.

ما کارگران تبعیدی که بعلت حاکمیت رژیم فاشیستی ایران مجبور به ترک کشور و محل کار خود شده ایم، خود را به تمامی در جبهه شما می بینیم و قاصدانه از مبارزات شما برای برقراری فوری ۳۵ ساعت کار در هفته با حقوق کامل، مبارزه بر علیه اخراج های دستجمعی، مبارزه بر علیه کار اضافه و کار آخر هفته حمایت می کنیم.

ما بعنوان کارگر خارجی خواهان حقوق و امکانات برابر هستیم و می دانیم که شما نیز از این خواسته ما حمایت می کنید. اینرا هم می دانیم که عده ای ناچار تحت فشار بیکاری به کار سیاه و بی تامین از طریق شرکتهای واسطه تن در می دهند و به اتحاد کارگری ما با شما و همبستگی جهانی کارگران نطمه وارد می سازند، به همین دلیل ما کار سیاه و بی تامین را در هر رنگ و شکل آن محکوم می دانیم.

تلاش شما در محکوم کردن قانون جدید خارجیها و خواسته تان در جهت کنار گذاشتن و پس گرفتن این قانون باعث پشتگرمی ما و نشاندهنده همبستگی بین المللی بین ماست.

ما بعنوان بخش کوچکی از کارگران ایران وظیفه خود می دانیم که شما را از بی حقوقی کارگران در ایران مطلع سازیم: کارگران ایران حق برپایی تشکلات مستقل کارگری خود را ندارند و هر اعتراض و اعتصاب آنها توسط حکومت جمهوری اسلامی وحشیانه سرکوب میشود. بیکاری وسیع توده ای بدون حق استفاده از بیمه بیکاری سایه خود را بر همه جا گسترده است و ما در چنین شرایطی دست خود را بطرف شما دراز می کنیم تا به مبارزه ای مشترک بر علیه این وضعیت برسیم. همان نیرویی که کارگر آفریقای جنوبی را مورد حمایت خود

است که ما آنرا "کانون هنر و ادبیات کارگری کردستان" (بدون خط تیره) درج کرده بودیم که معنای کردستانی بآن میداد که نادرست است.

بهر حال ما ضمن پوزش از رفقای کانون هنر و ادبیات کارگری - کردستان، خواستار همکاری بیشتر این رفقا و نیز ارسال ادبیات کارگری و خاطره های کارگری و سایر مطالب کارگری برای درج در نشریه کارگر تبعیدی هستیم.

هیئت تحریریه نشریه کارگر تبعیدی

توضیح در مورد چاپ شعری از "پیشه نگ"

رفقای کانون هنر و ادبیات کارگری - کردستان طی نامه ای برای ما نشریه همراه با اظهار لطف نسبت به نشریه کارگر تبعیدی و قول همکاری با ما خواستار توضیح دو نکته شده اند که عیناً راج می کنیم:

۱- اسم نشریه کانون "پیشه نگ" به معنای "پیشاهنگ" است که بخلط در نشریه شماره ۶ "پیشرنگ" درج شده بود.

۲- نام کانون، "کانون هنر و ادبیات کارگری - کردستان"

اخبار مبارزات کارگری جهان

برزیل

هفته‌هاست که کارگران مرسس بنز در برزیل - در اعتصاب سرمی برند تا خواسته‌های زیر را تحقق کنند: ۱۵۰ درصد اضافه دستمزد در مقابل با بحران اقتصادی، ۴۰ ساعت کار بجای ۴۴ ساعت کارهفتگی فعلی، رسمیت یافتن نمایندگان انتخابی کارگران - لازم به تذکر است که کارفرمایان از تشکیل یک هیئت کارخانهای جلوگیری می‌کنند.

پرو

۱۴ هزار کارگر معدن سنترومین از تاریخ ۱۴ ماه مه دست به اعتصاب زدند. تظاهرات بیش از ۱۰ هزار معدنچی با خواننده‌هایشان از محل معدن بطرف لیا بابیان این خواسته‌ها همراه بود: ۱- ۴۰ درصد اضافه دستمزد به نسبت بحران اقتصادی حاکم بر پرو ۲- عمل آمدن اقدامات ایمنی و حفاظتی برای جلوگیری از تصادفات کارکس همراهه در این معدن به مرگ ۵ معدنچی می‌انجامد. ۳- پایان گرفتن اشغال نظامی محیط معدن.

با اتحادیه به دلیل "غیرقابل مذاکره بودن این خواسته‌ها" سر باز زده بودند، اما بنا به تشخیص دادگاه فدرال منعی برود این ادعای کارفرمایان پست مذاکرات آغاز شد. در طول مذاکرات کار انتقال میلیونها نامه بسته پستی بزمین گذاشته شد، البته ۶۰ درصد کارکنان برای لنگ نماندن کامل کار حق شرکت در اعتصاب را نداشتند. بلاخره در تاریخ ۱۱ ماه مه اعلام نتیجه مذاکرات که به پایان دادن مبارزات کارکنان پست از طرف اتحادیه انجامید، اضافه شدن مدت استراحت به ۶/۳۶ دقیقه بود.

انجمن کارگران مهاجر کالیفرنیا، مدافع حقوق کارگران مهاجر در آمریکا

کارگران خارجی با حقوقشان، کله به کارگران مهاجر برای حل مشکلات اقامتی شان در آمریکا و... رادرسر وظائف خود قرار داده است. به علاوه کارگران به همستگی فراخوانده و ضرورت شکل رادربین کارگران مهاجر تبلیغ می‌کند. در قسمتی از اوراق تبلیغی انجمن بزبانهای مختلف آمده: "ما زمانی که شما در محل کار خود نماینده ندارید، حتی اگر شکایت هم کنید اقدامات ناعادلانه علیه کارگران ادامه خواهد یافت... حق تشکیل اتحادیه صنفی حق است که توسط قانون فدرال تضمین شده است. C I W A به شما می‌آموزد که چگونه این حق مسلم خودتان را متحقق نمائید."

کشتی سازی و ماشین ۶ کارخانه دیگر را به اشغال خود در آورد و اعتصاب ۱۹ روزه... شدن از کارکنان رادیو و تلویزیون دولتی را وحشیانه درهم شکست. این اعتصابات برای حق فعالیت آزاد اتحادیه‌ای و بر علیه دخالت حکومت در دگرگویی اتحادیه کارگری و سرمایه داران بود. لازم به یادآوریست که این چهار نماینده متعلق به اتحادیه مستقلی است که در ماه ژانویه در مقابل اتحادیه‌های زرد دولتی تشکیل شد و ۸۰۰/۰۰۰ عضو دارد و بخشی از آن از طرف دولت در همان ماه ژانویه غیرقانونی اعلام شده.

آلمان شرقی

در حالی که رسانه‌های گروهی آلمانی بر موع اعتراضات در DDR چشم فرو بستند، تظاهراتیان ماه مارس حدود ۷۰۰ اعتصاب بر علیه پیامدهای الحاق دو آلمان که توسط انحطارات آلمان غربی هدایت می‌شود، صورت گرفت است. در ۱۰ ماه مه ۲۵۰ هزار تن از کارکنان پارچه بافی و جرم در سرکشور آلمان شرقی به اعتراضی یکساعته دست زدند. بخشی نیز در اعتراضی به بایکوت کالاهاشان از طرف بازار که در حال حاضر با کالاها های غربی سراب شده‌اند، به فروش آنها در کارخانها پرداختند. هزاران تن از کارکنان کشاورزی و دهقانان دوازده منطقه لیونیه‌نشان زلبا آلمان غربی با خواست حمایت از

آلمان غربی

اتحادیه کارکنان پست DPG که ۶۵۰ هزار نفر را تحت پوشش خود دارد بالاخره در تاریخ ۴ آوریل با تهدید به اعتصاب سراسری کارکنان پست، سرمایه‌داران پست (Postbank-Postdienst-Telekom) را به پای میز مذاکره بر سر خواسته‌هایشان نشاند. شرایط سخت کار از سال ۱۹۸۶ در بخشهایی از پست تا ۳۰ درصد افزایش یافته و از ۱۹۸۹ مدت استراحت به ۱۰ دقیقه پیندا کرده است. اتحادیه پست خواستار ساعتی ۱ دقیقه استراحت و ۳۹ ساعت کار در هفته برای ایجاد ۱۲۰۰۰ شغل جدید است. تاکنون سرمایه‌داران حتی از مذاکره

خبری از

سازمانیابی کارگران در شوروی

اولین کنفرانس سازمانهای کارگری شوروی از ۲ آوریل تا دو ماه مه امسال در شهر "نوکرینسک" برگزار شد. بیش از ۱۲ گروه سازمان کارگری خود را در یک تشکیل سراسری بنام "کنفدراسیون کار" متشکل نمودند. حرکتی کارگری در سال گذشته، بخصم صوفی اعتصاب گسترده کارکنان معدن، باعث جنبش جدیدی در امر کارگری شوروی گردید. این جنبشها که در استناد حیستهای صنفی کارکنان را مطالبه می‌کردند، بسرعت به جنبشهای سیاسی روی آور شدند. در راستای این تحول، کمیته‌های اعتصاب کارخانه هادرمراکز کارگری، گروهها، کمیته‌ها، سازمانهای کارگری، تصمیم گرفتند برای دفاع از حقوق حقه کارکنان و برای اتحاد گسترده و سراسری کارکنان تمام جمهوریهای شوروی، یک کنفرانس کارگری برگزار کنند. در این کنفرانس ۲۲۴ نماینده از بهترین مناطق صنعتی روسیه، بلوروسی، اوکراین، آذربایجان و قزاقستان و همچنین نمایندگان اتحادیه‌های کارگری لیتوانی و لتونی شرکت داشتند.

کنفرانس سازمانهای مستقل، سیاسی، اجتماع... و سندیکائی کارکنان می‌باشد از عدالت اجتماعی، دموکراسی وسیع و حقوق حقه کارکنان و دموکراسی دفاع کند.

(بمقتل از نشریه "سکونور")

کره جنوبی

حدوده هزار کارگر در کره جنوبی بر علیه بازداشت ۴ نفر از نمایندگان نشان در اتحادیه، کشتی سازی هونایی بزرگترین کشتی سازی دنیا را در شهر صنعتی اولسان اشغال نمودند. با حمله ۱۸۰۰ پلیس، کارکنان سنگربندی کره و سایر میله‌های فولادی و کوکتل مولوتف به مقاومت پرداختند. از طرف دیگر اعتصابانی در همستگی با این کارکنان آغاز شد. حدود ۲۷۰۰۰ کارگر ماشین سازی هونایی به همراه کارکنان ادارات، رادیو و دانشگاه دست به اعتصاب زدند. پلیس...

خلاصه ترجمه‌ای از:

نشریه "اخبار صنایع فولاد و فلز"

مسئله فشار در کارخانه‌های فولاد سازی از کفرانس فونکسیونهای ۱۵۰۰ تنال کنترما صحرای سرگزار کردید. در حمایت از مبارزات اتحادیه کارگران فلز برای کوتاه کردن ساعت کاری و جلوگیری از افزایش ساعات کار، موضوع مسئله فشار را داشت که: ۱۰۰۰ در کارخانجات صنایع فلز آنچنان فشاری بر کارکنان است که مندرحتی پنج دقیقه توقف تلف می‌شود. کار آنچنان سازمان نامیشود که منتهی به طول کار نیستون خارج از چارچوب آن حرکتی کردی و منتهی به فکری کرد.

می‌رسید فشار از جطر بقی اعمال میشود؟ افزایش مداوم تقاضاهای کارفرمایان، سرعت کار، نقی وسایل کار و ماشین آلات، نبود استراحت و تجدید نیرو، رقابت، نگرانی از اخراج، میزان قلیل مزد، نبود تعاون و همکاری لازم، مشکل گرما، سرما، صداهای غیر قابل تحمل، فشار داشتن در وضعیتهای خطرناک هوای آلوده موسمی، انزوا (وقتیکه کمتر تا مرز انسان نتواند کمهای هر مرد بدل کند) یکواختی کار، نگهداشتن بدن در یله حالت خاص، کار سخت بدنی و غیره.

۱۰۰۰ جسم شخصی در برابر کاری که از او می‌کشند تسلیم است اما مو قعی که خواست و تمایل در برابر گرفتن این جسم وجود نداشته است. وقت باید از زور کم گرفت و این زور از طریق کنترل مداوم تهیدمدار دست دادن شغل (اخراج) کمبرابر با سقوط اجتماعی است. صورت می‌گیرد و اینجاست که کمترین خود حفاظتی بدن از کار می‌افتد و شخصی آخرین درمخیره حیاتش را به اشتراک می‌دهد. همان فشار است.

عکس العمل جسم انسانی بر این فشار: ۱- سیستمی هوشیار است و بر خطر احاطه دارد. با دستا هم می‌کشد اما کمترین اطلاع را در بر می‌گیرد. سیستمی هوشیار است و بر خطر بیشتر شود انتقال منظم اضلعات نیز متوقف می‌گردد. عکس العمل - درست و بی‌موقع، رفتار حساب شده ارزیابی صحیح قطع می‌شود این همه نتیجه فشار زیاد است و تصادفات کار عواقب چنین وضعیتی است، شخص خسته و مرده در ترو بخواب می‌رود و بعد از پایان کار حوصله هیچ کاری را ندارد.

۲ - کشش ماهیچه‌ها در اثر کار بیش از حد زیاد می‌شود، ماهیچه سخت می‌گردد و در نتیجه حرکت شخصی شق و نافذ است و ایسن خود باعث دشوارتر شدن کار می‌شود. با درد پشت هم که همه آنها هستند.

۳ - ۱۰۰۰ صرف اینهمه انرژی تکرر هورمون آدرنالین و نور آدرنالین را در خون سبب می‌گردد. در نتیجه آن محیط چشمها گشاد می‌شود، دهان خشک و آب دهان غلیظ می‌گردد و شخصی احساس تشنگی می‌کند، ضربان قلب شدیدتر می‌شود و فشار خون بالا می‌رود، ششها گشاد می‌شوند و تنفس سریع می‌گردد، معده و روده نمیتوانند مثل سابق کار کنند و پیوست بدنال می‌آید. ۱۰۰۰ موانع و سختی پر انرژی در خون افزایش می‌یابد و قند و چربی را بالا می‌برد، پیوست عرق می‌کند و جریان خون در آن کاهش می‌یابد. بهین دلیل است که تحمل فشار انسان را رنگ پریده می‌کند.

صرف ویتامین های آ، ب، س، ا و آب معدنی زیاد می‌شود، ترکیب خون تغییر می‌کند و در نتیجه صونیت در برابر بیماریها پایبند می‌آید. کمبود این صونیت در کار سخت بدنی با فشار روحی همراه می‌گردد و نتیجه آن کم شدن تعداد گلبول های سفید خون و بخصوص گلبولهای ت - چهار است (لازم به تذکر است که گلبولهای ت - ۴

لغوسیت‌های مهمی هستند که در بیماری ضعف صونیت AIDS هم رفته رفته از بین می‌روند) که اگر پزشک نداند که تعداد این گلبولها در اثر فشار کار و ریه کاهش گذاشته ممکن است احتمال بیماری AIDS را بدهد. ۱۰۰۰ کارگرانی که روزانه بین ۴/۵ تا ۲۰ تن بار رانکه تکه بلند و حمل میکنند در معرض

این خطر قرار دارند و بیمه هزینه اینچنین بیماری ای را بهیچوجه نمی پردازد حتی اگر ویتامین ساده‌ای باشد.

اینجا می‌خواهم توجه همه را بدین مطلب جلب کنم که تجدید تولید انرژی صرف شده در طول روز و شب و تجدید حیات سیستم صونیت بدن در آخر هفته منفع از تعطیلات آخر هفته راحیاتی و ضروری میکند.

البته این مسئله را که فشار زیاد به سلامتی ضرر وارد می‌کند کسی نمی‌کند اما وضعی ارتجاعی در این مورد وجود دارد که می‌گوید ۱ - با تغییر برخورد شخصی نسبت به کار میتوان در مقابل این فشار سد ایجاد کرد.

کسرنها با هم می‌کنند این ایندولوژی یکنگی در کارخانه را جا بیندازند (یعنی اینکه کارخانه به همه کسانی که در آن کار میکند متعلق است) و کارگران و کارمندان باید با رضایت برای خاطر می‌فقت بازاریابی کارخانه خودشان مایه بگذارند ۲ - این فشار را باید بعد از تعطیل کار خنثی کرد.

برای مثال وزیر کار و نظم اجتماعی دولت باین در اطلاعیه‌ای می نویسد: ۱- با مساعی و کوشش در محیط کار ۲ - برخورد مثبت به کار ۳ - رضایت از کار و بالاخره با اقدامات فردی مثل ورزش و استراحت و لذت بردن از زندگی نه تنها میتوان فشار را از بین برد بلکه حتی نیروی مقاومت در برابر فشارها هم در خود زیاد کرد.

در مورد نکته یک فقط می‌خواهم مخاطراتان بیاورم که قیلا بیکار فاشیسم با جاق یگانگی و اتفاق در کارخانه مبارزات اتحادیه‌ای را مطرح و حشمانه‌ای سرکوب کرد. در مورد نکته ۲ باید گفت که تعطیل کار برای مزد بگیران بمعنای استراحت و تحمیل قوا نیست. خواست سرمایه دلران از مزد بگیران اینست که وقت آزادشان را طوری سازمان دهند که روز بعد دوباره آماده کار باشند اولاً این آزادی برای مزد بگیران وجود ندارد که هر طور می‌خواهند از این "وقت آزاد" استفاده کنند و ثانیاً شرایط اجازه نمیدهد که تجدید قوا و استراحت صورت پذیرد.

و تازه بعد از کار فشار دیگری از راه می‌رسد. برای خرید باید هر فروشگاه هی را چند بار در روز در تیرا برای پولی که در جیب ناری کالای ارزانی بیایی، باید جوابگوی بجهت‌بای باشی، باید شام بخوری. اخبار هم که فقط اعصاب را متشنج میکند و دیگر ساعت هشت و نیم شب است. حال چگونه از این فشار باید کاست؟

فقط کافیت که خانقات هم در یک خیابان اصلی باشد تا حتی شبها هم نتوانی خواب راحتی داشته باشی. البته تیرا هم نباید فراموش کرد که کارگران بسیاری متعلق به گروههای مزدی پایین ناچارند شبها نیز بلفشغل کاری دست و پا کنند.

فشار مداوم فرسوده میکند و بیماری بهر راه می‌آورد: کسی که حتی لحظهای هم آرامش نداشته باشد دلشوره، بی اطمینانی، نگرانی و ترس و - افسردگی رهاش خواهد کرد و بالاخره زمانیکه برای دفاع از خود هیچ فرصتی نمی‌یابد و اتحادیه‌ها نیز بسیار مشکل چنین فرصتی را برای او - فراهم می‌آورند - آسیبهای روحی و روانی فرا می‌رسند.

۱۰۰۰ حدود ۲۰ سال پیش هنگام تحصیلات دانشگاهی‌ام، سنین مناسب برای پذیرش سکه قلبی را ۶۰ سالگی عنوان میکردند ولی در حال حاضر تا ۵۰ سالگی هم پیش آمده و تازه برای کارگران خارجی که متحمل کارهای دشوارتری هم هستند بیماریهای قلبی و سکه حتی ۱۰ سال زودتر از - کارگران آلمانی غرض میشود.

مبارزه بر علیه اضافه کار، مبارزه برای کوتاه کردن ساعت کار، بر علیه کار چند شیفته و کار شبانه، مبارزه برای تعطیلات آخر هفته، مبارزه برای زندگیست. قدمی مهم و ضروری که باید در مبارزه بر علیه شرایط کار و زندگی ای که منشا ایجاد بیماریهاست برداشته شود.

زنده باد همبستگی بین المللی کارگران سراسر جهان

پیام انجمن کارگران پناهنده - لندن بمناسبت اول ماه مه

جشن اول ماه مه رابه عموم کارگران تبریک میگوئیم . بزرگداشت این روز یادآور اتحاد و یکپارچگی کارگران در مبارزه برای حقوق انسانی شان می باشد . این روز می بایست روز عهد و پیمانی دوباره بین کارگران از تمامی نقاط جهان ، جهت اتحاد و همبستگی هرچه وسیعتر و فشرده تر باشد .

ماعدای کارگرایرانی که موفق شدیم از دست دژخیمان جمهوری اسلامی جان سالم بدر برده و اکنون در کنار شمار فقای کارگرد انگلیس این روز را جشن میگیریم ، صمیمانهترین همبستگی خود را با شما اعلام کرده و دست یاری به سوی شما دراز میکنیم .

کارگران کشور ما این روز را بدون داشتن هیچگونه حقوق انسانی و در زیر فشار سرنیزه جمهوری اسلامی جشن میگیرند ، آنان تاکنون که ۱۱ سال از عمر تلنگن حکومت جمهوری اسلامی میگذرد نفعتهای اجازه بوجود آوردن هیچگونه تشکیلی ندارند ، بلکه از ابتدائی ترین حقوقی که طی سالیان مبارزه بدست آورده بودند محروم گشتهاند . حق اعتصاب ، حق تشکل ، حق داشتن قانون کاری انسانی و مدون ، حق بیمه بیکاری ، حق ناشتن شغل مورد علاقه و غیره ، از جمله حقوق ابتدائی است که خواستن آنها بیک جرم جنائی است ، و مجرم به سالها زندان ، شکنجه و یا اعدام محکوم است .

کارگران در ایران این روز را در حالی جشن میگیرند که حکومت اسلامی شوراها و انجمن های اسلامی خود را در کارخانجات جهت خف کردن هرگونه اعتراضی در این روز بسیج کرده تا از تعطیلی کار جلوگیری نماید و این روز را بهر قدرت نمائی باسوسان و سرکوبگران خود تبدیل کند .

کارگران در ایران این روز را در حالی جشن میگیرند که نیمی از جامعه فعال ، یعنی ز نان از کار کردن محروم شده و بایستی در کج خانه زندانی باشند

و آتھائی هم که از سالها پیش کاری داشتند با اجبار می بایستی بایک کار شده و با کار نیمه وقت انجام دهند .

کارگران در ایران در حالی اول ماه مه را جشن میگیرند که تازه از جنگ خانمانسوز ۸ ساله بیرون آمده و گروه زیادی از آنان بخاطر این جنگ شغل خود را از دست داده و تعداد وسیعی از آنان در میدانهای جنگ به خاک و خون کشیده شدهاند و عده دیگری تنها بخاطر اعتراضی به بدی وضع اسفنازندگی خود یا در زندانها به قتل رسیدهاند و یا اینکه در حال حاضر در زندان بسر میبرند .

کارگران در ایران این روز را در حالی جشن میگیرند که تمامی امیدوارانشان نابودی حکومت جمهوری اسلامی است . رفقای کارگرمادر ایران ، از گروه کوچکی از همکاران خود که توانستند بشکلی از زیر تیغ حکومت اسلامی جان سالم بدر ببرند انتظارات به حقی دارند ، آنها از همکاران خارج کشور خود می خواهند که صدای اعتراضشان را بگوش عموم کارگران جهان برسانند . آنها از همکارانشان می خواهند که همبستگی کارگران کشورهای دیگر را نسبت به مبارزاتشان بدست آورده و از دیگر کارگران جهان بخوانند که بهر شکلی که میتوانند بنیابت حکومت فشار آورده تا حداقل ابتدائی ترین حقوقی را که در کنفرانسهای بین المللی کار به تصویب رسیده رابه رسمیت بشناسد .

انتظار کارگران در داخل کشور از ما انتظاری است که تاکنون ما نتوانستیم کامی برایش برداریم و ما اینک در ابتدای این مسیر هستیم .

ما ضمن تبریک مجدد اول ماه مه به عموم کارگران ، از تمامی کارگران ، اتحادیهها ، سازمانها و شخصیتهای آزادیخواه انتظار داریم که در این راه به ما کمک کنند دست ما را بگیرند ، ماهواره از هرگونه کمک و همکاری با دیگر رفقای کارگر استقبال کرده و امیدواریم که در این لحظات بحرانی گام کوچکی در راه اتحاد و یکپارچگی تمامی کارگران برداریم .
زنده باد اتحاد و همبستگی کارگران سرتاسر جهان
انجمن کارگران پناهنده ایرانی - لندن

از فلزکاران آلمان چه خبر؟

ارنست ۷

و حال توافق رهبران اتحادیه فلز با باندر سرمایه داران بر سر افزایش دستمزد برمی بین ۸/۵ تا ۱۰ درصد خواست کارگران و ۴ درصد پیشنهادی سرمایه داران ، بنی ۶ درصد اعلام داشته و آن مبلغی برابر ۱۳ مارک است که به مزد پایه ی ۲۱۱۲ مارک اضافه خواهد شد و این تنها قطره ای آب است که بر سنگی داغ بافتند بهیچوجه جوابگوی نیازهای مزدبگیران نیست . تحقق ۲۵ ساعت کار هفتگی هم که به سالهای بعدو با شرط " موقعیت مناسب اقتصادی " حواله شد و در روز تعطیل آخر هفته نیز بر پرچم خواستههای کارگران منزوی باقی ماند . نتیجه اینک این توافق تنها رهبران اتحادیه و سرمایه داران راضی نمود . دسته اول مغرور از اینکه فقط عدد ۳۵ را این بار وارد متن قرارداد نموده اند ، توافقنامه رایج روزی کارگران اعلام داشتند دسته دوم که با زهم موفق شدند کارگران آلمان در همان جدول قدیمی طبقه بندی شرایط کار مزد اروپای دهنده رضایت شان را بدین گونه اظهار داشتند " از مبارزات کارگری که با اعتصابات و اخراج های گسترده همراه می شد جلوگیری کردیم و با این توافق آرامش را برای مدت یک دهه تأمین نمودیم . ۰۰ مهمترین هدف ما کارفرمایان این بود که تا ۱۹۹۳ (یکسال بعد از تشکیل اروپای بزرگ و متحد) از کوتاه کردن ساعت کار صحتی هم در بین نباشد و حال این هدف ما تحقق یافته است !"

آیا واقعاً بگفتنی آقای اشتاین کولر کارگران باید بیروزشان را جشن بگیرند؟ بلژیایی روزنامه Rote Fahne نگاه کنیم: در مقایسه با ساعت کار قراردادی ، این توافق نامه نه تنها ساعت کار را کم نکرده بلکه افزایش نیز داده است ، زیرا از یکطرف در حالیکه ۴۰ ساعت کار برای ۱۸ درصد کارگران از هم اکنون تا مدت حداقل ۲ سال اعتبار دارد ولی از طرف دیگر ۳۶ ساعت کار هفتگی تنها از ۱۹۹۳ یعنی سه سال بعد معتبر است و این یعنی اینکه ، ساعت کار متوسط از ۳۷ ساعت کار قراردادی به ۳۷ ساعت و ۵۴ دقیقه رسیده است ! حتی با این حساب بعد از ۵ سال دیگر که ۳۵ ساعت کار قراردادی اعلامی می شود با زهم ساعت کار متوسط ۳۵/۹ است !

اگرچه بنا به آمار ارائه شده از طرف اتحادیه فلز ، در حال حاضر ۴۰ ساعت کار برای ۲/۳ فلزکاران کشورهای بازار مشترک اروپا موضوعیست که به گذشته تعلق دارد و بنا بر همین آمار در ۱۹ کشور اروپائی منتهاست که از کارشنه دیگری نیست ، اما با وجود بر این آمار ، در دستها در موفقیت سرمایه داران برای تحمیل ۴۰ ساعت کار به ۱۸ درصد کارگران نیست ، در دینجاست که سرمایه داران توانستند اسلحه زنگ زده تفرقه بین کارگران را روغن بزنند . وی با جدا کردن ۱۸ درصد کارگران ، آنان را از قرارداد مشترکی که می تواندهمکاران را تحت یک قانون جمع کند ، بیرون می کشد ، در جبهه مبارزه کارگران شکاف می اندازد و کارائی اتحادیه های کارگری را کمی توانند همچون پرچم بزرگی بر فراز سر همه مزدبگیران قرار گیرند ، خنثی می سازد و بدین ترتیب راه را برای بستن قراردادهای رنگارنگ با کارگران منفرد و کارخانجات متفرقه بازمی کند . و ما دوباره به آمار IGM بر میگردیم: کوتاه شدن ساعت کار هفتگی از ۳۷ ساعت به ۳۵ ساعت در هفته نفعتهای ۱۰۰ هزار شغل جدید و آنهم فقط در صنعت فلز بوجود خواهد آورد ، بلکه از اخراج ۵۰ هزار کارگر نیز جلوگیری خواهد شد . بعلاوه حذف اضافه کار خود استخدام ۸۰ هزار کارگر جدید را نیز بدنبال خواهد داشت .

ضرورت تحقق ۳۵ ساعت کار در هفته برای مقابله فوری با بیکاری ۲ میلیونی در آلمان ، اکنون دیگر مسئله ای داخلی نبوده ، بلکه سازمان سراسری اتحادیه های اروپا EGB و سازمان سراسری اتحادیه های فلزکاران اروپا EMB نیز بمنظور مبارزه با بیکاری ۱۶ میلیونی در ۱۲ کشور بازار مشترک اروپا آنرا در صورت خواسته های خود قرار داده اند . ما دیگر در اینجا از ضرورت حیاتی تحقق ساعت کار کمتر چیزی نمی گوئیم . اینکه چرا مبارزه برای کوتاه کردن ساعت کار ، برای کارگران مسئله ای مربوط به مرگ و زندگی شان است ، با دلایل آن می توانید در گزارش " فشار در کارخانجات " آشنا شوید .

ونکه آخرا اینکه : کارگران سراسر اروپا که شرایط مشترک کار و زندگی شان ، خواسته های شان را حتی در جزئیات هم شبیه می کند باید قبل از دستمزدن صف متحد اروپای سرمایه داران با سازماندهی مبارزاتی هماهنگ و متحد در سراسر اروپا راه را برای تضمین پیروزشان در مبارزات بازنماید .

تجربه اجرا و پیاده کردن طرح طبقه بندی

از صفحه ۱

کارگران با شنیدن خبر اخراج نماینده خود، دست از کار کشیدند و همگی بطرف دفتر مدیریت و کارگزینی که در قسمت دیگر کارخانه بود، براه افتادند. آنها در راه و دفتر جمع شده و خواهان بازگشت به کار نماینده خود و اجرای طرح طبقه بندی شدند و بالاخره مدیریت مجبور شد که او را بر سر کارش برگرداند.

کارگران باین پیروزی از مدیریت تعهد گرفتند که هر چه زودتر طرح را با تمام برسانند سطح حقوق کارگران را افزایش دهد.

بهر حال از آنجاکه قسمت اعظم طرح هر چه زودتر نماینده های سابق تنظیم شده بود و جدول مربوطه تهیه شده بود، بسادگی نمی شد تغییرات مورد نظر کارگران در آن وارد شود.

در این طرح اجحافات زیادی به کارگران وارد شده بود، سختی کار اغلب آنها در نظر گرفته نشده بود و امتیازات لازم داده نشده بود، و باین برخی از مشاغل امتیازات بیشتری داده شده بود و خلاصه همان مقدار ناچیز ۷ درصد هم حتی با معیارهای خود وزارت کار و آئین نامه اجرای طرح طبقه بندی درست تقسیم نشده بود.

بعد از پایان طرح (اواسط ۶۵) و اعلام میزان افزایش حقوقهای ناشی از طرح طبقه بندی و بعد از سه ماه از بستن قرارداد، معلوم شد که کارگران بیبوده باین طرح امید بسته بودند و کارفرما توانسته بود سرانجام بیشتر نظرات خود را در اجرای طرح تحمیل کند. از آن گذشته حتی اعلام شد که بدلیل نبودن مواد اولیه و کاهش تولید و جنگ تحمیلی و غیره، عقب افتاده طرح طبقه بندی فعلا پرداخت نخواهد شد! باین ترتیب کارفرما که می نایست از تاریخ بستن قرارداد (اواسط سال ۶۲) تا آن زمان افزایش ماهانه حقوق هر کارگر را محاسبه نموده و یکجا پرداخت کند، میخواست بدلیل نبودن بودجه مالی و کاهش تولید ۰۰۰ از بزرگان شانه خالی کند. و این دیگر تحمل ناپذیری نبود.



Constituents Committee of the Federation of Iranian Refugees Council's
Gründungs Komitee der Föderation Iranischer Flüchtlinge
Forbundet for Iraniska Flyktingarädd Konstituerande Kommitte
هیئت مؤسس فدراسیون شوراهای پناهندگان ایرانی

شماره ۱-۱-۲۰

تاریخ ۱۹۹۰/۱/۱۰

شماره پرونده

رفقای عزیز انجمن کارگران تبعیدی

با گرمترین درودها خسته نباشید

کمان میکنیم که با اهداف "هیات مؤسس فدراسیون شوراهای پناهندگان ایرانی" آشنا باشید. اما در هر حال ما همراه این نامه نسخه ای از بیانیه ها و شریات تا کنونی هیات مؤسس را برایتان میفرستیم.

دوستان عزیز

به اعتقاد ما حرکت شما و حرکت ما دارای وجوه مشترک بسیار زیادی است. شما میگوئید کارگران تبعیدی ایرانی را متشکل کنید، ما کوشش داریم تا تبعیدیان را (که کارگران هم جزو مهمی از آنهاند) را بعنوان مدافعین آرمانهای کارگران که به اعتقاد ما آرمان رهائی انسان است متشکل کنیم. آنها را به سازمان یافتن در تشکلهای کارگری کشورها "میزبان" و با اتحاد با آن سوق دهیم و بجای افق ناسیونالیسم، وحدت کارگران را بنشانیم. این ما و شما را کنار هم و در کبر با یک موضوع میکند.

حضور شما بعنوان جزئی متشکل در حرکت پناهندگان بیگمان حقانیت آرمانها و خواسته های کارگران را در سطحی بسیار وسیع تر بهار خواهد آورد و موضع و قدرت دفاع از منافع کارگران را تقویت خواهد کرد. انجمن کارگران تبعیدی میتواند یک رکن مهم کنگره فدراسیون شوراهای پناهندگان ایرانی، شوراهای محلی پناهندگان و غیره باشد.

خوشحال خواهیم شد که نظرتان را در این مورد بدانیم و کلا از چگونگی برخوردتان به مسئله متشکل شدن پناهندگان و نقش خودتان در سازمانیابی آنها مطلع شویم

دستان را میفشاریم و برایتان آرزوی پیروزی داریم

از طرف هیات مؤسس

کوروش مدرسی

POSTFACH 111544
6100 DARMSTADT
W. GERMANY
FAX

BM HAMBASTEGLI
LONDON WC1N 3JX
ENGLAND
FAX

HAMBASTEGLI
C/O MAMON VERTE
127 RUE MARCADET
750 18 PARIS
FRANCE
FAX

HAMBASTEGLI
P. O. BOX 250 39
750 25 LIPPSSALA
SWEDEN
FAX

HAMBASTEGLI ACC. NO. 148525331 FORSTA SPAR BANKEN

نامه ای از يك كارگر

با درود به رفقای کارگر:

در انگلستان ده سالی است که کارگری میکنم و در يك کارخانه در قسمت تراشکاری قالب مشغول به کارم.

کارخانه ما کوچک است و حدود ۴۰ کارگر هستیم از این رو از اتحادیه خبری نیست.

اگر اتفاقی در محل کار ما برای یکی از کارگران بیافتد و یا اگر حق و حقوق ما را کارفرما بخورد جایی نیست که از آن حمایت بگیری. مثلا خود من حقوق کمتری از سایر کارگران میگیرم و تنها گناه من خارجی بودنم است و تنها چاره رنج بردن و سوختن تابه حال برایم بود است و هر وقت هم اعتراض میکنم میگویند اگر راضی نیستی برو و تهدید می کنند که به قسمت پرس کاری می فرستیمت و خلاصه حق اعتراضی و زبان باز کردن را ندارم.

مثلا چهار سال پیش به کمترین حقوق ام اعتراض کردم و آنها بلافاصله

مرا مدتی به قسمت پرس کاری منتقل کردند و برخورد کارگران دیگر به انتقال من در رابطه با اعتراض بی تفاوت بود و از این رو پشتیبانی از آنها نداشتم. در بین ۴۰ نفر کارگر روابط کارگران با یکدیگر نزدیک نیست و سرکارگر هم از این مسئله برای تفرقه بیشتر بین آنها استفاده میکند و طرفدار کارفرما است.

به علت پائین بودن دستمزد مجبور به اضافه کاری هستم بنابراین سه جای ۳۸ ساعت ۴۶ ساعت در هفته کار می کنم. این خلاصه کوتاه زندگی کاری من است.

در نامه بعدی از برخورد کارفرما و تاثیراتی که کارگران از تبلیغات دولت تاجر در رابطه با خارجیان به خصوص در رابطه با ایران برداشت میکنند می نویسم.

به آرزوی اتحاد و پیروزی کارگران جهان

۰۴ مازیا ۷ مه ۱۹۹۰

ترجمه آهنگی از گروه زنان معدنچی انگلستان*

دیگر بازگشتی نیست! NO GOING BACK!

همراه فصلهای سال، دنیا می گردد و عوض می شود!

گلها می شکند و رشد می کنند!

آبشارها به رودخانه ها و رودخانه ها به دریاها می ریزند ...

و قدرت، دستانت را تخمیر می دهد!

دیگر بازگشتی نیست، دیگر وابستگی ای نیست!

دیگر بازگشتی نیست، دیگر وابستگی ای نیست!

از وقتی که اعصاب معدنچیان تموم شده، زندگی تازه ای شروع شده،

ما زنهای فرق کرده ایم بعد از همه آنچه که دیده ایم و انجام داده ایم،

ما یاد گرفتیم که دنیا تقسیم شده و ما تصمیمان را گرفته ایم!

ما جنگی کرده ایم و دارای صدایی جدید شده ایم

دیگر بازگشتی نیست، دیگر وابستگی ای نیست!

زندگی کارگرها سخت شده و دیوار عظیمی جلوی اونها را گرفته،

برای یک زن سخت است و قوی سعی دارد که بگوید ظرفشویی آشپزخانه جایی

نیست که او باید بماند،

دیگر برگشتی نیست چون دیگر وابستگی ای نیست!

گاهی مردم نمی پذیرند و بعضی اوقات می فهمند که حقوق یک زن برابر حقوق مرد است!

بنابراین وقتی مرا "خواهر" صدا می کنی بهتر است که به جمع ما بپیوندی،

تا برضد ما باشی!

چون دیگر بازگشتی نیست و دیگر وابستگی ای نیست!

وقتی مرد با آن قیافه ساختگی همراه من به هیچ کجا نمی رود، هیچ امیدی

برای آینده بهتر نمی ماند، هیچ امیدی برای کسب حقوق از دست رفته نمی ماند!

اما ما روی تمام چیزهایی که شروع شده بود پوشش می گذاریم و با حرمتی جدید

شروع می کنیم و در این راه به تمام خواسته هایمان خواهیم رسید!

چون دیگر بازگشتی نیست، چون دیگر وابستگی ای نیست!

* North Staffs Miners' Wives Action Group

بلافاصله همان روز ظهر درنهارخوری مسئله بین کارگران مطرح شد آنها دسته جمعی بطرف کارگزینی و دفتر مدیریت برآه افتادند. کارگران اعلام کردند که مدیریت باید بمیمان کارگران بیاید و توضیح بدهد. در آن روز مدیرعامل کارخانه در آنجا نبود و در مسافرت بود. کارگزینی تعهد کرد که جریان را با او در میان میگذارد و تا هفته دیگر مسئله را حل خواهد کرد. بهرحال کارگران اعلام کردند که چنانچه طرف این مدت عقب افتاده های طرح یکجا پرداخت نشود، دست از کار خواهند کشید. بعد از یک هفته کارگزینی اعلام کرد که مدیریت با پرداخت عقب افتاده حقوقهای اضافه شده موافقت کرده و زسر برج این مبالغ پرداخت خواهد شد.

باین ترتیب در کارخانه ماطرح طبقه بندی مشاغل پیاده شد ولی کارگران با وجود تلاشهای بسیار و اعتراضاتی که در طول سه سال برای اجرای آن کرده بودند، از آن راضی نبودند و امیدوار بودند که بتوانند با انتخاب نمایندگان واقعی خود، طرح جدیدی که منافع آنها را در نظر داشته باشد پیاده کند.

نکته جالبی که کارگران در طرح میدیدند این بود که برای هر کارگر شغلی مشخص شده بود و سرپرستها و کارفرما بر راحتی نمی توانستند او را از شغلی به کار دیگری اندازند و این استقلال بیشتری به کارگر میداد.

و نکته آخرا اینکه کارگران بیسواد از نداشتن سواد کسرامتیا در طرح خیلی ناراحت بودند و اغلبشان بعد از پیاده شدن طرح چیزی به حقوقشان اضافه نشده بود و با خیلی کم شده بود) باین خاطر بیشترشان تصمیم گرفتند که سواد آموزی کنند و در کلاسهای نهضت شرکت کنند.

البته شورائی ها و وابستگان خانه کارگر در کارخانه سعی میکردند پیاده شدن طرح طبقه بندی در کارخانه را حساب خود نگارند و برای تقویت شورای اسلامی از آن استفاده مندولی با توجه به عملکرد شورائی هادراثائی پیاده شدن طرح و کارشکنی های آنها و نیز افشاشدن آنها در طی این دوره آنها نتوانستند از این نمد کلاهی برای خود بدوزند.

رفا پایا (آلمان غربی)

۹۰/۵/۲۰

طبقه کارگرایان از ابتدا تا کنون

بمنحه

برماینه داران قرار داشتند اما بندرت از حمایت برادران کارگران خود در سایر کشورها بهره مند شده اند. هم اکنون در کنفرانسهای بین المللی کار نیز، نمایندگان رژیم جمهوری اسلامی و قیاحانه بحثابه ماینده کارگران ایران شرکت می کنند و گزارشات سرتا پا دروغی در برد وضع کارگران ایران به کارگران جهان ارائه می دهند. آگاه گردن دستان کارگرد در سراسر جهان از وضعیت زندگی و مبارزه کارگران ایران و جلب حمایت کارگران از این مبارزات رسالتی است که نجم کارگران تبعیدی ایرانی سعی در پیش برد آن دارد!

ه - آلمان غربی

فوریه ۱۹۹۰



به نقل از نشریات اپوزیسیون

اعتصاب و تظاهرات کارگران گروه صنعتی کفش ملی

کنترل کارخانه تولیدارو

کارخانه تولیدارو از سال ۱۳۵۶ در قزوین شروع به کار نموده و تحت پوشش دولت قرار دارد. تولیدی این کارخانه تیوپ آلومینیومی برای انواع پمدها و وسایل بهداشتی می باشد حدود ۱۵۰ کارگر دارد. مدیر جدید این کارخانه اخیراً مدیریت به اخراج چندتن از کارگران نموده که با مقاومت کارگران روبرو می گردد، در این حرکت انجمن اسلامی کارخانه نیز با مبارزات کارگران همسو شده و در ادامه، مدیر کارخانه اخراج می گردد. پس از اخراج مدیر کارخانه به مدت ۳ روز تحت کنترل کارگران اداره شده و تولید همچنان ادامه می یابد. در این فاصله کمیته مستقیم ادخال نمی کند، بلکه ژاندارمری شهر صنعتی قزوین کارخانه را محاصره کرده و بناشغال خود درمی آورد. در این زمان نماینده رئیس جمهور با کارگران صحبت کرده و اقدام آنان را محکوم می کند و طوسی صحبت اعتراف می کند که برای شناسائی و اخراج کارگران مبارز دست به اقداماتی زده است. در این مذاکره او قبول می کند که بعد از ۱۵ روز مدیر کارخانه عوض شود و مدیر جدیدی بر سر کار حاضر گردد. در این رابطه عده ای از اعضای انجمن اسلامی و عده ای از کارگران از کارمعلق شده اند.

کارگران در ادامه اعتصاب ضمن فرموله کردن درخواستهایشان خواهان ۲۰ درصد اضافه حقوق و پرداخت مابهالتفاوت طرح طبقه بندی از سال ۶۲ شدند. ادامه اعتصاب با دخالت نیروهای سرکوب گرو دستگیری هزاران کارگر همراه گردید، بطوریکه خواست آزادی کارگران زندانی نیز، به سایر درخواست های کارگران اضافه گردید و جزو شعارهای آنان شد.

سرنجام اعتصاب با محاصره تمامی کارخانجات توسط نیروهای سرکوب و گنجانستن پاسدار بالای سرتک کارگران و اشغال تمامی کارخانجات توسط سپاه خاتمه پیدا کرد. نیروهای رژیم ترس و اکثراً کارگران بخش اعظم کارگران دستگیر شده را آزاد نمودند، بطوریکه سایر عزم اینکه کارگران هنوز به خواست خود نرسیده بودند ولی روحیه عمومی آنان روحیه شکست نبوده رژیم همچنین قول اجرای طرح طبقه بندی در اسرع وقت را به کارگران داد.

اعتصاب گروه صنعتی ملی انعکاس وسیعی در کارخانجات تهران و سایر کارخانجات کشور داشت و موارد وسیعی از همدلی کارگران با حرکت کارگران گروه صنعتی ملی دیده شد.

از آنجائیکه از اعتصاب کارگران گروه صنعتی ملی مدت زیادی میگذرد و از سوی دیگر درج خبر مشروح این اعتصاب بدلیل تراکم مطالب امکان پذیر نیست، لذا ما تنها به نکات اصلی این حرکت بزرگ بطور فشرده و وار افکامی کنیم.

این اعتصاب حول خواست اجرای طرح طبقه بندی مشاغل از تاریخ ۱۲ دیماه آغاز گشته و بعد از ۱۱ روز ادامه یافت.

حرکت کارگران ابتدا از کارخانه کفش آزاده شروع شد سپس سایر کارخانه هانیز به اعتصاب پیوستند. کارخانجات کفش آزاده، کفش شاهد، کفش پویا، چکمه ملی، شرکت توحید، پوشاک مردم، پارس چاپ، زبیره ملی، چرم آتر، قالب سازی، ماشین سازی، چرم رخشان، کفش فارس، تسمه ملی، سربانی ملی، و کفش صنعتی که مجموعاً دربرگیرنده ۱۳ هزار کارگر هستند در این اعتصاب شرکت داشتند.

کارگران در مدت اعتصاب ضمن اشغال کارخانه ها، سخنرانی، گروگان گرفتن مدیر کارخانه، دستگیری جاسوسان و افشای آنها و بالاخره تظاهرات و راهپیمائی در محوطه کارخانجات و فاصله بین شرکتها قدرت خود را بنمایش گذارند.

اعتصاب در کارخانه نورد لوله اهواز

تا اینکه در تاریخ ۱۲ اسفند با قبول درخواست کارگران از طرف فرمانده سپاه پاسداران کارگران به سر کار رفتند و با آزادی ۲۰ نفر از کارگران دستگیر شده نیز موافقت نمودند، اما اعلام نمودند که ۲۰ نفر دیگر بیعت داشتن سابقه قبلی محاکمه خواهند شد. نکته جالب دیگر اینکه کارخانه نورد اهواز نیز بابت اعتصاب ۴ ساعته از اعتصاب کارگران نورد لوله اعلام حمایت نمود.

کارگران کارخانه لوله سازی نورد از ۱۲ اسفند بصورت روز دست به اعتصاب زدند. در این حرکت کارگران ۲۳ خواست مطرح نمودند و ضمن اعتصاب دسته جمعی یکپارچگی خود را بنمایش گذارند. در مدت اعتصاب کارخانه توسط سپاه و کمیته محاصره بود، استاندار اهواز، امام جمعه و نماینده وزارت کار در جمع کارگران حاضر شده و به سخنرانی پرداختند.

اعتصاب در کارخانه نقش ایران (مولن موکت سابق)

نشتمو ضمن موافقت با خواستهای کارگران، کارگران دستگیر شده را نیز آزادی کند. خیر اعتصاب کارگران نقش ایران موجی از حمایت را در کارخانجات مجاور نامن می زند بطوریکه در بعضی کارخانجات آن منطقه در سرویسها کارگران برای سلامتی کارگران نقش ایران صلوات می فرستند!

کارگران کارخانه نقش ایران در اواخر بهمن ماه سال گذشته اعتراضی بنه دادن سهمیه برنج عبیدی کارگران و هم چنین خواست طرح طبقه بندی مشاغل دست به اعتصاب می زنند. این اعتصاب در شرایط دخالت کمیته سپاه و دستگیری کارگران ادامه می یابد تا اینکه مدیریت عقب

حوادث کار

حوادث ناشی از شرایط غیر ایمنی محیطهای کار همچنان جان کارگران را در معرض خطرات کوناگون قرار می دهد، طبق اظهارات اخیر روابط عمومی وزارت کار بر اساس آمارهای بدست آمده ۴۱٪ مجموع حوادث ناشی از کار مربوط به ساعت غیر اداری، از جمله کار شبانه می باشد.

پای راست کارگری در میان دنده های مارپیچ یک دستگاه در کارخانه کروم کمیکال ساری قطع شد

ساری- خبرنگار اطلاعات: در یک حادثه دلخراش که در یکی از کارخانه های صنعتی ساری رخ داد، پای راست کارگری در میان دنده های مارپیچ یک دستگاه قطع شد. به گزارش خبرنگار ما، حادثه چند روز قبل در کارخانه «کروم کمیکال» ساری هنگام به وقوع پیوست که کارگری به نام «میرشجاع هاشمی» مشغول ریختن مواد اولیه به داخل یک دستگاه بود که ناگهان پای راستش نیز خورد و به داخل دستگاه کشیده شد، این گزارش حاکی است، در حالی که پای راست این کارگر حادثه دیده در لابلای دنده های مارپیچ دستگاه له میشد، وی با تلاش و تلاقی زیاد مانع از کشیده شدن پای دیگرش به درون دستگاه شد. وی بلافاصله توسط تنی چند از همکارانش برای درمان به بیمارستان بوعلی سینا ساری انتقال یافت. شایان ذکر است: این کارخانه تولید کننده مواد اولیه صنعت لاستیک سازی در استان مازندران است.

